

امام خمینی:

کسانی که با اسم اسلام می آیند و میخواهند خرابکاری کنند اینها ضد اسلام هستند، ضد انقلاب هستند

۲ صفحه

امام خمینی:

* ما باز گرفتار کاغذ بازی هستیم. ما باز گرفتار آدمهای شاهنشاهی هستیم. مملکت ما باز مملکت شاهنشاهیست. وزارتخانه‌های ما باز وزارتخانه‌های طاغوتی است و ما نتوانستیم اینها را اصلاح کنیم. باید در اسرع وقت اصلاح شود و اگر اصلاح نشود در اسرع وقت، اصلاح می‌کنیم.

* چرا شورای انقلاب به فکر این مطلب نیست؟ چرا رئیس-جمهور به فکر این امور نیست؟ این حرفها که میزنید، يك قدر هم عمل کنید.

- اگر عاجز نندگان بروند اما افرادی پیدا بکنیم که عاجز نباشند و اگر عاجز نیستند، چرا عمل نمی‌کنند؟
- اینها بودند که شما را به این مسندها نشانند
- چرا این اشخاصیکه در این ادارات مشغول فساد هستند، چرا اینهایی را که مشغول هستند که جوانهای ما را تباہ کنند در این ادارات تصفیه نمی‌کنند؟
- اگر شاهنشاهی هستید، خوب بگید تا ما تکلیفمون را باشما تعیین کنیم. تا من بگم ملت باشما چه کند.

بقیه در صفحه ۲

کوبای سوسیالیستی از انقلاب ایران پشتیبانی میکند

۲ صفحه



رفیق کیانوری در گفتگو با رفقای کوبایی که از دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دیدن کردند.

احزاب برادر به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، به حزب توده ایران شادباش می‌گویند

۸ صفحه

اعلامیه سازمان جوانان حزب دمکرات کردستان ایران (طرفداران کنگره چهارم):

توده‌ها سازندگان تاریخند نه قداره‌بندان

بدنیال حمله اوپاشان سرگرد ملیار (افسر شاهنشاهی)، به دستور دگر و فاسلوه، به دفتر سازمان جوانان حزب دمکرات کردستان ایران (طرفداران کنگره چهارم) در مهاباد، اعلامیه‌ای از جانب این سازمان، در این اعلامیه آمده است:

بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان و افسای انحرافات رهبری حزب، در پی اصلاح سیاسی در پاسخ اقدام مثبت و شرافتمندانه این رفا و بهجا آوردن وظیفه انقلابیان در قبال خلقمان، دست به تهمت و افترا و ناسزاگویی زدند. بدنیال این عمل دور از منطق انسانی، حمله به دفتر سازمان جوانان حزب دمکرات کردستان ایران را تدارک دیدند. از طرف دفتر با اصطلاح سیاسی به سرگرد ملیار (افسر شاهنشاهی) و دارو دست‌انز دستور داده شد ساختمان سازمان را اشغال نمایند، به خیال اینکه از فعالیت پیگیر و افشاگرانه سازمان در رابطه با عملکردهایشان جلوگیری نمایند. غافل از اینکه اشغال ساختمان سازمان به هیچوجه به معنای سازمان جوانان حزب دمکرات

بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد

- خلق آروگونه برای آزادی می‌روند
- اتحادیه دهقانان در خدمت انقلاب و زندگی بهتر
- بحران آتلانتیسیم
- در اردوگاه امپریالیستی تضادهای سیاسی و اقتصادی تشدید میشود



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۹
۱ شنبه ۸ تیر ۱۳۵۹ - تک شماره ۱۵ ریال

سیاستی که رادیو و تلویزیون را با انقلاب هماهنگ میسازد

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران باید از ضدانقلاب پاکسازی شود و ارگان هیچ حزب، گروه، سازمان و یا شیوه تفکری نباشد.

۱۶ ماه بعد از انقلاب، هنوز سیاست واحدی بر زبان رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران، یعنی رادیو و تلویزیون حاکم نیست. ۱۶ ماه بعد از انقلاب و در حالیکه ۳۳ مدیریتی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، که میلیونها نفر را زیر پوشش دارد، تغییر کرده است. آخرین سرپرست این سازمان بعد از دو بار استعفا، چنین میگوید:

«فراخی در پاسخ این سؤال که چه افرادی در رادیو و تلویزیون کارشکنی میکنند، گفت: مسئله گروههایی است که خودمختار

بقیه در صفحه ۲

رابطه گرانی با چماق

گرانی بتواند پدیده‌های اقتصادی علل خاص خود را دارد: اختلال در اقتصاد ملی و تولید داخلی، عدم تعادل در بودجه و تناسب اعتبارات آن، تورم، یکبارگی و نظایر این پدیده‌های اقتصادی، هر یک به نوبه از اجزاء در پیدایش گرانی مؤثرند. برای مبارزه قاطع با گرانی باید اقتصاد ملی را سروسامان بخشید، افزایش تولید داخلی را در مرکز توجه قرار داد، اوراق بودجه را در جهت تقویت کسر بودجه و افزایش اعتبارات تولیدی و عمرانی تغییر داد، یکبارگی را از بین برد، پولهای زائد را از جریان خارج ساخت، دست سرمایه‌داران بزرگ و بازرگانان کلان، دلایلی و واسطه‌ها را از بازار کوتاه کرد و اقدامات اقتصادی و مالی دیگری را انجام داد.

وضع بازرگانی خارجی نیز در پدیده‌های بنام گرانی و تورم تأثیر جدی دارد. این تأثیر بویژه در وضع کنونی از آن جهت شدیدتر است که اولاً قسمت عمده واردات کشور ما از بازار امپریالیستی تأمین میشود، و ثانیاً این بازار سالهاست گرفتار تورم، گرانی و بیکارگشت است که بازرگانان بطور عمده پدیده‌های کشور را در حال رشد گذاشته میشود.

تسمیه‌گیری در مورد جهت بازرگانی خارجی کشور، انتقال آن از بازار امپریالیستی به بازار جهانی، به معنی واقعی کلمه، که شامل بازار کشورهای سوسیالیستی نیز میگردد از یکطرف، و ملی‌کردن بازرگانی خارجی، همانطور که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر شده، از جانب دیگر، اقدامات تابع و مؤثری هستند که در ثبات قیمت‌ها و حتی تقویت آن اثرات جدی خواهد داشت. بالاخره تسمیه‌گیری در مورد بازرگانی داخلی و توزیع متناسب کالا با ایجاد شبکه‌های وسیع دولتی توزیع از اقدامات بسیار ضروری است، که برای جلوگیری از گرانی، احتکار و گرانفروشی مؤثر است. بدون شبیه باید در هر یک از این زمینه‌های اساسی اقتصادی و بازرگانی سریعاً اتخاذ تصمیم شود، تا بتوان گرانی را که بصورت غولی سرکش درآمده، مهار زد و از خطرات جدی آن برای انقلاب جلوگیری کرد.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترکان است

قیمت‌ها به هرز خطرناکی رسیده است

زحمتکشان: حسرت برفج را می‌خوریم...

* قیمت ارزان‌ترین نوع برفج داخلی، که مورد مصرف زحمتکشان است، ۷ درصد بالا رفته است

* برفج تایلندی و پاکستانی ۵۰ درصد گرانتر از نرخ فروشگاهی تعاونی است ساکنان محلات کارگرنشین می‌رسد

۸ صفحه

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران (۵)

نبرد آیدئولوژیک حزب کمونیست ایران

روسیه» اختصاص میدهد، (تهران، ۲۴ اکتبر ۱۹۲۲، ۲ آبانماه ۱۳۰۱).

البته این قبیل، روزنامه‌ها، انجمن‌ها، هیأت‌های مرکزی و کمیته‌های محلی، از جنبش‌های سوسیالیست علمی، مانند آنها خود نیز چنین ادعایی را نداشته‌اند. اما در حال این مقاله حاکمی از تأثیر گسترده اندیشه‌های مارکسیستی در محافل دانشگاهی و روشنفکری و دموکراتیک است.

حزب کمونیست ایران توجه خاصی به جنبش‌های سوسیالیست و سوسیالیست‌ها داشته است. از جمله فعالیت‌های سوسیالیست‌ها در ایران در سال ۱۳۰۴ بوسیله عده‌ای از زنان روشنفکر رشت تاسیس شده بود و جمعیت «بیداری زنان» که در تهران ایجاد شده بود، نام برد. جمعیت «بیک سعادت نسوان» مدرس و «طلوع نیکو» نیز همین نام تاسیس کرده بود که خدمت بزرگی به روشن شدن افکار زنان و بالا بردن میزان آگاهی آنان دیگر کرد. این جمعیت برای نخستین بار، در ایران ۸ ماه مارس را به عنوان روز بین‌المللی زنان پذیرفت و برگزار میکند.

در نتیجه فعالیت حزب، بانوان فعالیتهای سوسیالیستی از جمله تشکیل «کمیته‌های سوسیالیستی» از تهران و سراسر کشور آغاز کردند. در سال ۱۳۰۵ جمعیتی بنام «بیداری زنان» تشکیل دادند. این جمعیت بیک رشته اقدامات فرهنگی، برگزاری نمایش و غیره می‌پرداخت. در نمایش «دختر قزوینی»، که این جمعیت روز ۸ مارس ۱۳۰۵ در تئاتر گدازتپه، سفیرانهائی از تاریخ و اهمیت اجتماعی این روز بین‌المللی زنان صحبت کردند، که با استقبال پرشور حاضرین روبرو شد. در سال ۱۳۰۸ که ارتجاع ایران همچنان خود را مستبد و بزرگوار می‌پنداشت، این حزب دیگر سازمانهای تحریر و دموکراتیک توده‌ها را در شهرهای مختلف نیز تاسیس کرد.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز کار خود توجه زیادی به جوانان کشور داشت. از اسناد مربوط به دوره تدارک (۱۹۲۸) نخستین کنگره موسسان دیده میشود که حزب از همان زمان در پی ایجاد سازمان جوانان بوده است. بالاخره سازمان جوانان حزب کمونیست ایران تشکیل می‌شود و سپس به عضویت «بین‌الملل جوانان کمونیست» در می‌آید.

یکی از طرق مهم کار سازمانی و آیدئولوژیک حزب، از سال دوران ایجادش، عبارت از فعالیت در درون سازمانها و جمعیت‌های ترقی و دموکراتیک و همکاری نزدیک با آنها بود.

کوئیدهگان حزب از زمان تدارک نخستین کنگره، با بقایای حزب دموکرات ایران، دیگر انجمن‌ها و جمعیت‌های ضد امپریالیستی بخصوص در آذربایجان، تهران، قزوین، همدان، کرمانشاه، شیراز و غیره فعالیت‌های مشترک داشتند. این جمعیت‌ها، گره بسیار مختصر، ولی در هر حال برانداختن رژیم پهلوی داشتند. گره فعالیت این سازمانها اغلب جنبه مصلی داشت، ولی از لحاظ سازمانی دارای کنفرانسها، کمیته‌ها، گروهها و محفل‌های منظم در تهران و حتی همدان بودند.

یکی از این سازمانها، که ارتباط دائمی و همکاری نزدیک با حزب کمونیست ایران داشت، حزب سوسیالیست (اجتماعی) رهبری ملیان میرزا - سلیمان حسن اسکندری بود. این حزب دارای ارگان «ای مطبوعاتی خود» (مجله حقوق و غیره) و سازمانهایی در اغلب نقاط کشور بود. پایگاه طبقاتی این حزب نسبتاً وسیع و بیشتر از اقلیت متوسط بورژوازی ملی، پیشروان شهر و ده، اصناف بازار و روشنفکران دموکرات بود.

رفیق فقید عبدالصمد کامبخش در کتاب خودمی- نویسد: «پس از درز بندی و تشکیل حزب اجتماعيون، این حزب یکی از مراکز فعالیت شد. حزب کمونیست ایران درون حزب اجتماعيون دارای فراکسیون مستقل بود و در کارهای سازمانی و اتخاذ روش سیاسی آن حزب تأثیر بزرگی داشت. برای کنگره دوم حزب اجتماعيون، که در نظر بود تشکیل گردد، عده زیادی از اعضای حزب کمونیست ایران از شهرهای مختلف تهران، تبریز، رشت، قزوین، مشهد و غیره نمایندگی انتخاب شده بودند و آخرین کنگره تشکیل میشد، قطعاً حزب کمونیست در آن نقش کوچکی نداشت.» (همان کتاب، ص ۳۹).

دوم، اول دلو - بهمن ۱۳۰۱، (صفحه ۱۹). بدین ترتیب فعالیت حزب، چه در بخش سازمانی و چه در بخش فکری، پیشرفت چشمگیری داشت. از آن جهت که در بخش آیدئولوژی و ترویج افکار مارکسیسم-لنینیسم، رفته رفته در حال پیشرفت بود. لیکن رویدادهای کشور سرعت رو به تغییر بود. برای توضیح مختصر وضع سیاسی در کشور، شرایط مقتضای تشکیل کنگره دوم حزب، جریان کار کنگره و تصدیقات آن، صفحات مربوطه از کتاب رفیق فقید عبدالصمد کامبخش را خلاصه میکنیم:

رونی کار حزب را رضاخان با قوه برای خود و حکومت دیکتاتوری کبی‌ریزی میکرد، خطری میدانست. لذا سعی کرد تا با کسب اعتماد از سوی سوسیالیست‌ها، به کمونیست‌ها افزود. چند روز قبل از انقراض سلطنت قاجاریه، آخرین روزنامه حزبی - روزنامه نیچیت توتیب و مدیرش واعظ کوهانی به تهران احضار شد و شب نهم آبان ۱۳۰۴ (انقراض سلطنت قاجاریه) جلوی مجلس به قتل رسید. از این تاریخ جمله گسترده به سازمانهای حزب آغاز شد و از آن پس کمونیست‌ها تحت تعقیب و فشار دائمی پلیس رضاخانی قرار گرفتند.

در این موقع حزب از داخل نیز دچار بحران شده بود. از همان آغاز فعالیت سرتاسری حزب (انتقال مرکز فعالیت علمی رهبری به تهران) موضوع روس نسبت به رضاخان در داخل حزب مطرح بود. در آن دوره در نظر اکثریت مردم، رضاخان کسی بنظر نمی‌رسید که گویا دست‌میدبایدند عاقلانه امپریالیسم انگلیس را کوتاه کرده، اقداماتی برای تقویت حکومت مرکزی بعمل آورده، راه را برای فعالیت نیروهای ترقی و حتی حزب کمونیست مسدود نماند. ولی شرایط بین‌المللی و داخلی کاملاً از روی مذهب حکومت او برده برداشت. او که با حیل و دورویی از شمار جمهوری (آن زمان بسین توده‌های مردم هواداران زیادی داشت) استفاده کرده بود، با تشکیل مجلس موسسان خود را شاهنامه ایران اعلام کرد. محلات بی‌دریغ نیروهای ارتجاعی قوت میگرفت و راهی برای فعالیت نیروهای ترقی باقی نماند. اختلاف نظر در درون حزب بی‌اخرن‌ان‌یایی حکومت رضاخان شدت یافت. و چون نداشتن نظر واحد در خط مشی عمومی حزب موجب آشفتگی فکری شد.

بدنبال آن آشفتگی سازمانی نیز آغاز گردید. در رهبری حزب درگانگی بوجود آمد. هیئت وقت ۳ نفری، که برای اعلام امور سازمانی موجود است، از طرف عده‌ای از رهبران سابق بر سرست شناخته شد و در درون حزب دوگانگی رهبری حکمفرما گشت. این وضع ایجاد میکرد که هرچه زودتر کنگره حزب تشکیل شود.

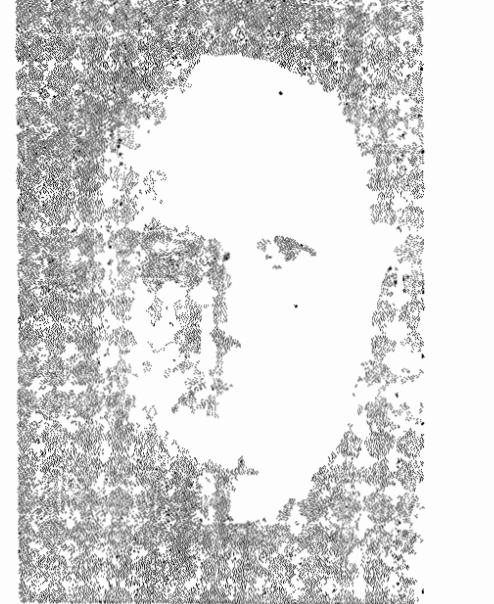
با تشکیل کنگره دوم حزب (بنام کنگره اروپایی) در سال ۱۳۰۶، مرحله دوم این دوران از فعالیت حزب کمونیست ایران آغاز شد. مهمترین مسئله همانا موضوع ارزیابی وضعیت رضا شاه و چگونگی رویه‌های حزب بود. چیزیکه در نظر اکثریت رهبران سوسیالیست، عدم احاطه به شرایطات عمومی جهانی و عدم اطلاع از تغییراتی بود که در سیاست‌های امپریالیسم انگلیس وجود آمده و دولت انگلیس فوق‌شده بود خطوط اصلی آنرا مدتی دستور نگهدارند.

سیاست سنتی انگلیس در ایران و اغلب کشورهای مستعمره و غیرمستعمره جلوگیری از تکرار نیرو در دست حکومت مرکزی، تضعیفان حکومت و تهدید آن از طریق مسلح ساختن ایالات و شروران آنها در مواقع لازم بود. تادیب‌نویسه «دیکتاتور» اختیاری حکومت مرکزی را در دست خود نگاهدارند. پیروزی‌های قطعی انقلاب اکتبر و حکومت جوان شوروی، منظره بین‌المللی را دگرگون ساخت. امیدامپریالیسم به پیروزی شانقلابیون داخلی روسیه برآورده نشد. لشکرکشی چهارده دولت امپریالیستی علیه جمهوری جوان شوروی شکست خورد. برای مبارزه علیه سوسیالیسم بیروز نقشه دراز مدت لازم آمد. نقشه تضعیف اقتصادی و سیاسی دولت شوروی و محاصره آن در نوبت اول قرار گرفت. برای اینکه حلقه سستی در این زنجیره محاصره وجود نداشته باشد، حکومت‌های نسبتاً نیرومند و متعزیز در اطراف اتحاد شوروی لازم بود. رویدادهای سیاسی آن روزی ایران، از کودتای سوم حوت و اخراج سید ضیاءالدین تابه تخت نشستن رضاخان، می‌بایستی از رویدادهای بین‌المللی و موردبررسی قرار میگرفت، و حال آنکه مبنای تحلیل بسیاری از نیروهای ترقی، و از آن جمله عده‌ای از رهبری حزب، همان سیاست سنتی سابق انگلیس بود.

در قطعنامه کنگره گفته میشود: «عده‌ای از رفق‌هاچه در ایران و چه در خارج دچار اشتباهات شده و عقیده داشتند رضاخان بر علیه امپریالیسم انگلیس مبارزه کرده است. ولی حقایق مسله‌ای که در عرض چند سال جمع شده بود، علناً مخالف این تصورات بود.»

این عده از رهبری حزب در تحلیل پایگاه اجتماعی و طبقاتی حکومت رضاخان نیز دچار خطا بودند. آنها تغییرات را که در موضع طبقاتی شخص رضا خان و حکومت او پیدا شده بود، درک نمی‌کردند. آنها (جناح راست) با تزمای خود به کنگره آمده بودند، که خلاصه آن اینست: «کودتای رضا خان» (منظور برانداختن قاجار و اعلام سلطنت پهلوی است) نمایش سقوط حکومت فتوادی و استقرار حکومت بورژوازی است. این کودتا «مبدا جدیدی در تاریخ معاصر ایران است.»

در صورتیکه حکومت رضا شاه در واقع متکی به طبقه بزرگ مالکان و قشر بورژوازی کپه‌آورد (دلال



سیروس بهرام (آخوندزاده) از رهبران حزب کمونیست ایران - رفیق سیروس کهنسال ترین عضو حزب بوده ایران است

امپریالیسم بود. از اینرو نیز در ترمای سیاسی کنگره دوم در این مورد گفته میشود: «رضا خان هنگامیکه برای تصرف حکومت مبارزه میکرد، حقیقتاً کوشش نموده که با بورژوازی ملی‌گرایان و عده‌ای با عناصر جمهوری‌طلب و تشکیلات طبقه پرولتاریا نیز مبارزه و عشق‌ورشی میکرد. اما عملیات او هیچوقت از دائره مبارزه برای تصرف حکومت در قالب رژیم فتوادی و ملایکی خارج نشد... این حقیقت که در موقع کودتای رضا خان (منظور سلطنت سیروس است) ملایه فوقانی بورژوازی از آن تقریباً وحالاً هم‌طایق تقویت میگردد. بورژوازی بودن سلطنت رضا خان را ثابت نکرد، بلکه ظاهر میکند که رضا خان با کمال مهارت توانست اساس رژیم ملای فتوادی را با کمک و مساعدت طبقه فوقانی بورژوازی، مستحکم نماید. در ترمای کنگره کوشش شده است بدگرایی دیگری هم که در درون حزب وجود نداشت، پاسخ داده شود عده‌ای معتقد بودند کاری که رضاخان کرد، صرفاً یک کودتای درباری بود و هیچکس مستحق اجتماع و طبقاتی نداشت. ترمای کنگره این نظر را نیز رد میکند و متذکر میشود: «استنباط مناسبت اگر کودتای رضا خان را مانند یک کودتای درباری تصور نمائیم».

جناح راست رهبری حزب از تحلیل خوددستی و نادرست می‌گرفت. یکی اینکه با وجود حکومت رضا شاه، تحول مسالمت‌آمیز (با صلح آن زمان، ترقی ملی‌گرایان) به مرحله بندی ممکن است، و دوم اینکه در مبارزه علیه امپریالیسم با درجه‌های میانی به حکومت رضاخان تکیه کرد. ترمای کنگره این بحث را نیز بطور زیر جمع بندی میکند:

«روس و تجربه واضحی که از مسله کودتای رضا خان گرفته میشود عبارت از آن است که این کودتای در حقیقتاً برضای امپریالیسم انگلیس می‌باشد. در نتیجه این کودتای ترقی ملی‌گرایان را راجع به امکان یک ترقی ملی‌گرایان مبارزه طبقاتی در ایران بر طرف نمود است.»

درباره نتیجه دوم: «از رویکرد رضاخان بر عرصه سیاست قدم گذاشتن فکری به انگلیس بود. ولی تا سال ۱۹۴۵ (۱۳۰۴) خیلی‌ها باین حقیقت بی‌فکره بودند. بعد از حذف نمودن شورش‌های تودعی زحمتکشان، و بعد از تاج‌گذاری و اتحاد محکمی میان رضاخان و انگلیس بود. در این هر گاه بگوئیم که در ردیف مفاصن تحت و تاج‌گذاری رضا شاهپهلوی، که عبارت از اعلان و اشراف و تاج‌گذاری و یک قسمت از بورژوازی کپه‌آورد (یعنی بورژوازی دلال تجارت خارجی) امپریالیسم انگلیس می‌باشد، است، و اغراق ننگتایم... این مسئله مانعی بآن نیست که گاهی نیز شاه را بر خلاف سیاست استعماری انگلیس در تحت فشار ملت مجبوراً قذحی بردارد (فرارند با روسیه شوروی)».

یکی از بحث‌های علمی که آن زمان حزب را بخود مشغول ساخته بود، موضوع رشد سرمایه‌داری در ایران و چگونگی گذار جامعه از این مرحله بود. ترمای کنگره باین مطلب بشرح زیر پاسخ میدهد:

«در ایران شرایط عمومی ترقی سرمایه‌داری هنوز موجود نمی‌باشد، زیرا ایران هنوز دوره تنج اولیه سرمایه‌داری طی نکرده و برعکس بواسطه کسب دائمی صادرات نسبت به واردات هنوز سرمایه قابل توجهی ذخیره نشده است... باین جهت ترقی سرمایه‌داری در ایران با بودن رژیم حاضر فقط از طریق ضمیمه شدن به سیستم کلنی‌های (مستعمرات) انگلیس ممکن میباشد... هر گاه در نظر گرفته شود که مهمترین موسسات درست اقتصادی مملکت از قبیل بانک و تلگراف، نفت و غیره در دست انگلیسها ترمز یافته است، معلوم خواهد شد که هرگونه حرفی راجع به توسعه سرمایه‌داری و ترقی صنایع در ایران بی‌اساس و بی‌معنی است. دارای ایران بخواهد در مقابل دول امپریالیستی حقیقتاً دارایی استقلال کامل بوده‌میل به یک مستعمره سرمایه‌داران انگلیس نشود، براو لازم است (واو براین کار قادر است) که از طریق سرمایه‌داری صرف‌نظر کند.»

اخبار کارگری

در شرایط کمبود آب، بلا تکلیفی کارگران پروژه تصفیه خانه تهران پارس بسود ضد انقلاب است

پروژه تصفیه خانه تهران پارس حدود ۵ سال پیش در چهار قسمت آغاز شد و در حال حاضر سه قسمت این تصفیه خانه آماده بهره برداری است و حدود هفتاد درصد از کارهای طرح تصفیه خانه چهارم پیاده شده است.

در مطرح اخیر دوستان و یارانی که کارگر و تکنیسین مشغول کار بوده اند، نیروی کار این پروژه، پیش از انقلاب، بوسیله یک مقام کار تأمین میشد و بعداً سازمان آب ادامه کار را بر عهده گرفت. در این گیرودار مشکلاتی برای کارگران روز مزد و بیمانی فراهم شد، به این معنی که از جانب سازمان آب به کارگران قول استخدام رسمی داده شد.

از آن تاریخ تاکنون (در حدود یکسال) با کارگران مانند کارگران رسمی رفتار شده است. اخیراً بدنبال یک درگیری، نوزده نفر از کارگران بدون دلیل موجه، اخراج شدند و در مورد دیگران نیز از نظر استخدام رسمی ابراز تردید می شود.

این وضع به خارج از وظایف و اعتراض شدید کارگران منجر شده است و کارگران اعتراض خود را رسماً ابراز داشته اند.

عوامل فوق منجر به کنده جریان کار شد و از آنجایی که تصفیه خانه در خارج از شهر قرار دارند، بدنبال اجرای طرح ترافیک و جمع کردن وسایل آلاینده و زهاب کارگران مذکور کار پروژه عملاً تعطیل شد.

کارگران این پروژه اعتقاد دارند: «باتوجه به تشریح که این تصفیه خانه می تواند در مقابله با کمبود آب ایفای نقش کند، مسئولین امور باید هر چه زودتر به خواسته های ما توجه کنند و طرح تصفیه خانه را مجدداً شروع کنند»

اهم خواسته های دیگر کارگران برقرار زیر است:

- کارگران خواهان تأمین سرورس رفت و آمد خود هستند.
- کارگران خواهان استخدام رسمی خود هستند.
- در ارتباط با طرح فوق، در شرایط کنونی جامعه و با توجه به مساله آب شیرین تهران، بویژه با توجه به این که ضد انقلاب در فکر فراهم آوردن زمینه های هر چه بیشتر نارضایتی بمنظور تجویز ارتش ضد انقلاب و سرپازگویی از میان صفوف زحمتکشان است، بی توجهی به خواسته های بحق این کارگران در حکم بی توجهی به سر نوشت انقلاب است. بیوش باشیم!

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز و حومه: وظیفه دولت است که به خواسته های ما رسیدگی کند!



یکی از بلیط پاره کن های شرکت واحد - محرم و میثمی زندگی در چهارهش موج می زند، نگران آینده است

خواسته های کارگران: شورا باید در تصمیم گیری به شرکت کند - افزایش حقوق - بیمه - باز نشستی:

شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز و حومه در سال ۱۳۴۵ تاسیس شده است. در حال حاضر ۹۵ نفر کارگر ام از راننده و بلیط پاره کن، بلیط فروش و تعمیر کار در آن مشغول به کارند.

کارگران این شرکت از افزایش بی رویه هزینه زندگی، بویژه مایحتاج ضروری، بشدت ناراحتند و از دولت میخوانند که به خواسته های آنها رسیدگی کند.

برای بررسی خواسته ها و مشکلاتشان پای صحبت چند تن از کارگران شرکت نشستیم و وقتی که دهان باز میکنند، دوره پیش از انقلاب را با موقعیت کنونی مقایسه میکنند. آنها میخوانند در شرایط بهتری زندگی کنند. یکساز رانندگان شرکت، با ۹ سال سابقه کار، (بعد از پیروزی انقلاب، وضع ما کمی بهتر شده. چندی پیش شورای کارگران شرکت واحد را تشکیل دادیم. ولی مدیر عامل شرکت مثل سابق هر کاری انجام میدهد و تاکنون به هیچ یک از نامه های ما توجهی نشده است.)

کارگران میخوانند در تصمیم گیریهای مربوط به خودشان شرکت داشته باشند، ولی تاکنون یکبار هم نشده که مدیر عامل در کارها با کارگران مشورت کند. یکی دیگر از رانندگان شرکت ادامه میدهد: «بعد از انقلاب دستمزد روزانه ما را مثلاً ۱۰ تومان اضافه کرده اند و حالا روزانه ۸۵ تومان حقوق میگیریم، ولی از طرف دیگر اجناس چند برابر گرانتر شده ...»

کارگران شرکت واحد صبح زود مشغول کار میشوند و شب دیرتر به خانه میروند و با این حقوق نمیتوانند مخارج روزانه خود را از گوشت و برنج بگری تا میوه و سیگار و ... تأمین کنند. راننده ادامه میدهد:

«من با ۶ سربلایه و کرایه مسکن و هزاران خرج دیگر، باین حقوق چه کنم؟ استخدام رسمی هم که نیستیم. در نتیجه از باز نشستی و غیره هم خبری نیست.»

کارگر دیگری میگوید: «در کارهایمان کارشکنی میشود. مثلاً قرار بود ۲۵۰۰ تومان پاداش عید به ما بدهند. ولی با گذشت سه ماه آنهم در دو نوبت با کم کردن مبلغی (که معلوم نشد برای چه و کجا) به ما دادند. بیمه هم نیستیم هر ماه بیش از ۱۰ دفترچه نمی دهند. آنوقت پول بیمه را از حقوقمان کسر میکنند.»

و ادامه میدهد: «بچهارم سه ماه است که مریض است. چون دفترچه بیمه ندارم، ناچارم به دکتر شخصی مراجعه کنم.»

کارگران از اینکه دستکاه دولتی باکساز شده و از جمله وضع بیمه نبود زحمتکشان تعبیری نکرده و بشدت ناراحتند.

وضع کارگران بلیط پاره کن و بلیط فروش از این بدتر است. یکی از کارگران کمک راننده، که ۷ فرزند دارد و بلیط پاره میکند، میگوید:

کارگران میخوانند در تصمیم گیریهای مربوط به خودشان شرکت داشته باشند، ولی تاکنون یکبار هم نشده که مدیر عامل در کارها با کارگران مشورت کند. یکی دیگر از رانندگان شرکت ادامه میدهد: «بعد از انقلاب دستمزد روزانه ما را مثلاً ۱۰ تومان اضافه کرده اند و حالا روزانه ۸۵ تومان حقوق میگیریم، ولی از طرف دیگر اجناس چند برابر گرانتر شده ...»

کارگران شرکت واحد صبح زود مشغول کار میشوند و شب دیرتر به خانه میروند و با این حقوق نمیتوانند مخارج روزانه خود را از گوشت و برنج بگری تا میوه و سیگار و ... تأمین کنند. راننده ادامه میدهد:

«من با ۶ سربلایه و کرایه مسکن و هزاران خرج دیگر، باین حقوق چه کنم؟ استخدام رسمی هم که نیستیم. در نتیجه از باز نشستی و غیره هم خبری نیست.»

کارگر دیگری میگوید: «در کارهایمان کارشکنی میشود. مثلاً قرار بود ۲۵۰۰ تومان پاداش عید به ما بدهند. ولی با گذشت سه ماه آنهم در دو نوبت با کم کردن مبلغی (که معلوم نشد برای چه و کجا) به ما دادند. بیمه هم نیستیم هر ماه بیش از ۱۰ دفترچه نمی دهند. آنوقت پول بیمه را از حقوقمان کسر میکنند.»

و ادامه میدهد: «بچهارم سه ماه است که مریض است. چون دفترچه بیمه ندارم، ناچارم به دکتر شخصی مراجعه کنم.»

کارگران از اینکه دستکاه دولتی باکساز شده و از جمله وضع بیمه نبود زحمتکشان تعبیری نکرده و بشدت ناراحتند.

وضع کارگران بلیط پاره کن و بلیط فروش از این بدتر است. یکی از کارگران کمک راننده، که ۷ فرزند دارد و بلیط پاره میکند، میگوید:

تازه تشکیل شده، تاکنون، ما به - اختلافات حقوق کارگران را پرداخته و به وضع حقوقی کارگران رسیدگی کرده است. و اشاره میکند: «ما تصمیم داریم آن محلاته اتوبوس نمیرود در صورت اسفالت شدن از طرف شهرداری، و یا امکان رفت و آمد، اتوبوس بگذاریم.»

در اینجا زحمتکشان از گرانی هزینه زندگی، از کمی دستمزد، از عدم تأمین آب، از نداشتن یک زندگی شایسته و مرغه و در یک کلام از عوارض تکلیف با بندهای پهلوی دردها در دل دارند.

انقلاب آنها را تکان داده است آنما خود به انقلاب و به پیروزی پیش انقلابی پاری رساندند و اکنون مصمم اند تا سایه شوم گذشته را از زندگی خویش برانند. زحمتکشان را در باقیم، انقلاب را در زندگی آنان راه دم و این وظیفه انقلابی و خلقی را دست کم نگیریم!

شرکت امپرجیلوتسا از پرداخت مزایای کارگران خودداری میکند!

شرکت امپرجیلوتسا در سد کلوچه تری تهران در دامنه البرز قرار دارد. این شرکت عملیات سدسازی (سد خاکی) لار را برعهده دارد. خود «امپرجیلوتسا» ایالتی است و از سرمایه گذاری سد شرکت «امپرجیلوتسا» و «چرولا» و «لودی جانی» که در ایالتها به امور مقایسه مشغول هستند تشکیل شده است.

«تسا» شرکتی است ایرانی، که قبل از انقلاب شریک متسایف سد بوده است، ولی از آنجایی که این شرکت می بویط به «هن ارفامیل» بود و باقر آماسونرهای ایرانی زدودند داشت، سهامداران شرکت پس از پیروزی انقلاب متواری شدند.

در شرکت «امپرجیلوتسا» حدود هزار و سیصد نفر کار می کنند (هزار کارگر و ۱۰۰ کارمند). تقریباً همه کارگران در محیط سد لار سکونت دارند. ماشین آلات شرکت بیشتر آمریکایی و از نوع کاتی پیلار است.

کارگران این شرکت از مزایای قانونی محروم هستند، باین جهت چندی پیش ضمن نامه ای به تشریح خواسته های خود پرداختند.

در این نامه با تاکید بر این که پس از دردمتکستن قدرت طاغور «پایه» با دارباشیم و بگوئیم تا حق واقعی خود را بگیریم، اهم خواسته های کارگر را بقرار زیر آمده است:

- ۱- جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران توسط کارفرما،
- ۲- دریافت حق اولاد،
- ۳- برابری دستمزد کارگر ایرانی شرکت با سایر شرکتها،
- ۴- برابری پایه حقوق کارگران و رانندگان،
- ۵- پرداخت حق بیمه و مالیات کارگران به نسبت سال گذشته،
- ۶- دریافت حق مسکن و شیفت و خوابگاه به نسبت گذشته،
- ۷- تأمین وسائل روز کارگران،
- ۸- تأمین لباس و کلاه ایمن برای عموم کارگران،
- ۹- تأمین شیر برای کارگر (چون محیط کارخانه معمولاً آلوده است)،
- ۱۰- ایجاد سرویس رفت برگشت از محل کار تا کتب،
- ۱۱- افزایش حقوق کارگر به تناسب افزایش هزینه زندگی



عده ای از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز و حومه - به خواسته های بحق آنها باید پاسخ مثبت داد

فقط با برخورد درست و اصولی می توان مسائل را حل کرد

جلو اداره مرکزی «هما» واقع در فرودگاه مهرآباد کرده آمدند. یکی از کارکنان بوسیله بلندگوی دستی خطاب به سربستی اظهار داشت:

«این تصمیم (قطع و کاهش هزینه مسکن) در این مقطع از زمان منطقی نظر نمی رسد. با توجه باینکه هزینه مسکن بنا به سیاست خاص زمان طاغوت، رقم بالایی است، قطع آن با توجه به تورم سرسام آوردهای شریک جسران ناپذیری به کارکنان بخصوص کارگران فنی خواهد زد. پس بهتر است تصمیمات معقولی اتخاذ شود تا فشار زیادی به فقر حقوق بگیران وارد نشود.»

تا روز سه شنبه ۵۹/۴/۳ مساله بقوت خود باقی ماند. در این روز جمعی بالغ بر هشتصد نفر از کارکنان «هما» (کارگران، کارکنان فنی و اداری) در راهروهای اداره مرکزی گردهم آمدند و خواستار رسیدگی به مشکل خود شدند. آنها تا ساعت چهار بعد از ظهر در راهروها پسر شدند ولی کسی آنها پاسخی نداد.

متأسفانه نحوه برخورد دشمن و یک جانبه سربستی، که کارکنان را «ضد انقلاب» و «کسوت» کرد.

کارخانه ریسندگی ناهید اصفهان سیمند کارگر دارد. این کارخانه پیش از انقلاب، در اختیار دولت از سرمایه داران اصفهان بود و بوسیله آنان اداره میشد. در دوران دولت موقت آقای بازرگان، کارفرمایان با سرهم کردن مدارکی موفق شده مبلغ شش میلیون تومان از دولت وام بگیرند.

کارگران که رفیع استعمار سالیان و مایه غرور کارخانه و طاغوتی کارفرمایان را عمیقاً می شناسند، درصدد برآمدند قیامت آنان را از امور کارخانه کوتاه کنند.

کارگران متصد بودند که دولت باید کارخانه را ملی کند و جلوی چپاول بیشتر کارفرمایان را بگیرد.

سرانجام کارگران موفق شدند در تاریخ ۱۴ اسفند ۵۸ کارفرمایان را از کارخانه اخراج کنند، «بنا تکلیف شورا» اداره کارخانه را خود بدست گیرند.

از آن پس این خواست کارگران در تابلویی بر در ورودی کارخانه به چشم می خورد. در این تابلو پس از نقل کلمات از امام خمینی آمده است:

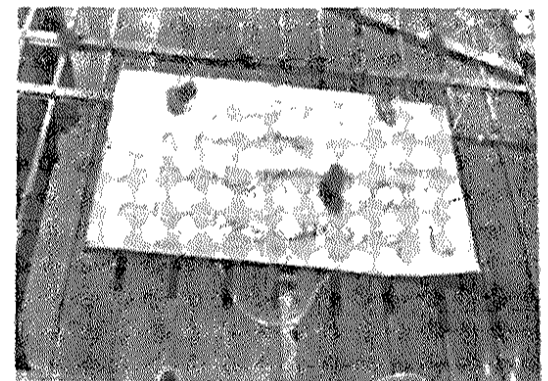
«ما کارگران خواستار ملی شدن این کارخانه می باشیم.»

متأسفانه با تمام تلاشی که شورا در این زمینه بعمل آورده و با مراجعه سرورس وزارت صنایع و معادن، این خواست انقلابی کارگران هرگز صورت تحقق نیافته است.

گفتنی است که کارگران خواسته های اصولی خود را، هنگام با حفظ آنجنگ منظم تولید و حتی بالا بردن بیشتر سطح تولید، و متقابل با شکلات موجود، از طریق قانونی دنبال میکنند و میگویند: «ما هرگز در این شرایط برای گرفتن خواست خود تولید را متوقف نخواهیم کرد، بلکه سعی می کنیم مسایل خود را از طریق مشاوره با مسئولین دولتی حل کنیم.»

شایسته است مقامات مسئول نسبت به این خواست انقلابی کارگران، که خصوصاً در شرایط دشوار خنثی کردن محاصره اقتصادی این پایه ایسم و برای رسیدن به استقلال اقتصادی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، توجه کافی نشان دهند.

کارگران ریسندگی ناهید اصفهان خواستار ملی شدن کارخانه هستند

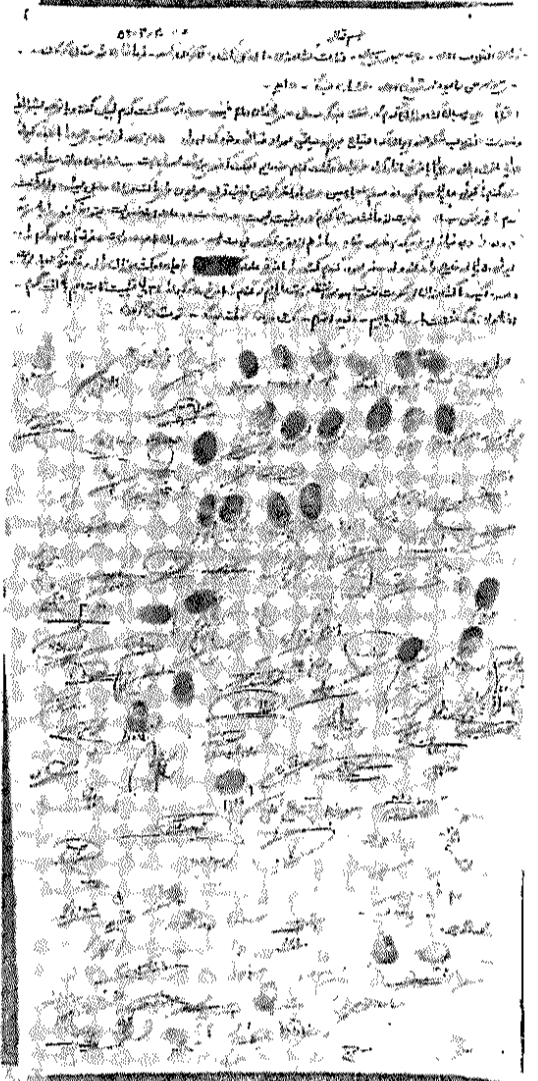


تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است



طوماری از بندر گز



تصویر طومار دهقانان بندرگز

خرید محصول دهقانان یک مسئله بسیار حاد و فوری است. خدمت مسئله، دهقانان اطراف بندرگز را واداشت تا طومار بلندی تهیه کنند، و بر روی قطعه پارچه‌ای مشکلات و خواسته‌های خود را بنویسند و زیر آن را امضا کنند یا اثر انگشت بگذارند.

تصویر این طومار بلندی (که پشت آنم دارای اثر انگشت است) و متن آنرا چاپ میکنیم. امیدواریم هرچه زودتر مقامات مسئول تصمیم لازم را در باره نرخ عادلانه خرید بدهند و اعلام کنند و کاری نکنند که بازم واسطه‌ها و سلف‌خرها، گندم را حالا به نرخی کمی گرانتر از قیمت فعلی اعلام شده بخرند و بعد از اعلام نرخ جدید، با قیمت بالاتری به دولت بفروشند و سود کلانی به جیب بزنند.

هم‌اکنون - هر روز دیر شود بسیار زیانمند خواهند بود - لازمست که فوراً نرخ جدید و عادلانه تصویب و اعلام شود، که فقط در این صورت محصول دهقانان است لایق، دست واسطه‌ها نیز زمانی کوتاه خواهد شد که خود دولت به نسبت عادلانه بخرند و کشاورز متعصباً محصول بفروشد. از حالا باید دهقانان هر چه زودتر بدانند که دولت با چه بهایی بخرند را خواهد خرید.

متن طومار،
شورای انقلاب اسلامی، ریاست جمهوری اسلامی، وزارت کشاورزی، اداره کل کشاورزی گران و گنبد، فرمانداری شهرستان گران، آقای منوچهر ملکی نماینده مجلس شورای اسلامی، بخشدار بندرگز، جراید.

احتراماً این جانبان کشاورزان گندم کار منطقه بندرگز در سال جاری به ندادی امام خمینی منتهی بر تومسه کشت گندم لیبک گفته و با توجه به شرایط و ضرورت انقلاب شکوهمند ایران، که احتیاج مبرم و حیاتی به براد غذائی و خودکفایی داده، ۸۵٪ از زمینهای خود را با بندر کیلویی ۲۵ ریال با نرخ دولتی ۳۰۰ ریال با نرخ آزاد، خریداری و کشت گندم نموده‌ایم.

اینکه که فصل برداشت محصول است، سازمانهای دولتی مسئول، خرید نرخ گندم را کیلویی ۱۸ ریال اعلام کرده‌اند، مسلم است با چنین نرخ، با در نظر گرفتن زمینه تولید، عواید برای ما کشاورزان حاصل نمی‌شود و ادامه کشت گندم را غیر ممکن میسازد. حمایت از ما کشاورزان گندم کار و تثبیت قیمت حساب شده و عادلانه از طرف دولت می‌تواند کشور را به سرحد خودکفایی و بی‌نیازی از خرید گندم خارجی بیاورد و ما را هم از فقر و تنگدستی نجات دهد. در دوران طاغوت، دولت طاغوتی آماده بود گندم را کیلویی ۵۰ ریال از خارج وارد کند، ولی حاضر نبود گندم کشور را با نرخ عادلانه خریداری و کشاورزان را از زندگی فلاکت با رنج نجات دهد. اینک ما کشاورزان از حکومت انقلاب اسلامی انتظار داشته‌ایم داریم که گندم را با نرخ عادلانه کیلویی ۳۵ ریال تثبیت تا بتوانیم به کشت گندم ادامه و از زندگی محنت‌بار و رهائی یابیم - با تقدیم احترام - کشاورزان منطقه بندرگز - شهرستان گران.

اتحادیه دهقانان

در خدمت انقلاب و زندگی بهتر

سابقه و تاریخچه ۳۷ ساله اتحادیه‌های جدید دهقانی

تشکل دهقانان در اتحادیه‌های دهقانی به پیشبرد اهداف انقلاب خدمت میکند

سازمان صنفی دهقانان حافظ منافع توده‌های میلیونی دهقانان و تضمین کننده شکوفائی اقتصاد کشاورزی است

در خردادماه سال ۱۳۲۲، با تشکیل اولین اتحادیه‌های دهقانی در اطراف تهران و دیگر استانهای ایران، فصل نوینی در جنبش دهقانی ایران آغاز گردید.

ندای حق طلبانه دهقانان در سالهای سیاه رژیم رضاشاه، که از وجود نظام پوسیده و ارباب‌پرستی رنج می‌بردند، نشیخ میگرفت و بسیاری از روستاهای ایران مبتدیه میدانهای مقاومت و مبارزه علیه فئودالها و اربابان میشدند. این مبارزات حق طلبانه در دوران رضاشاه با سرکوب دستگاههای پلیسی دولت روبرو میشد و حکومت ضد صنفی و فاسدپولی میکوشید، با استحکام مواضع فئودالها و زمینداران وابسته به دربار، موفقیت اجتماعی خود را تحکیم بخشد.

قرار رضاشاه در شهریور ۲۰ و بدنبال آن پیدایش جوی نسبتاً مساعد، به مبارزات دهقانی بعدی جدید بخشید، جنبش دهقانی بعد از شهریور ۲۰ کمیت و کیفیت بیشتری یافت و صدای حق طلبانه دهقانان و حرکت نوین آنان، که خواستار طرح استعمار فئودالی در روستاهای ایران بودند، نشان میداد که مرحله‌ای رشد یافته‌تر از تاریخ جنبش‌های دهقانی در ایران آغاز میشود. رشد مبارزات دهقانی بزودی منتهی به آن شد که، خود دهقانان به لزوم تشکیل و سازمان یافتن مبارزات پی بریند.

تشکیل اتحادیه‌های دهقانی بعنوان نهاد رهبری کننده و سازمان دهنده مبارزات دهقانان به ضرورتی اجتناب ناپذیر مبدل شد.

در خردادماه سال ۱۳۲۲، اعضاء و هاداران حزب توده ایران در این جهت نیز پیشقدم شدند و با بزرگ این ضرورت، اقدام به سازماندهی مبارزات دهقانی کردند. بدین ترتیب اولین اتحادیه‌های دهقانی در اطراف تهران و سپس در سایر استانها تشکیل شد. با الهام از محتوی مبارزات دهقانان و ضرورت تحولات عمیق در روابط تولیدی حاکم بر روستاها، برنامه اتحادیه‌های دهقانی تدوین گردید. از جمله طرح سیستم ارباب‌پرستی، باز خرید املک بزرگ و تقسیم بلاعوضی آن

با کتون مسئله سروسامان دادن به اقتصاد کشاورزی، حل و فصل مسائل مربوط به زمین و تولید و مسائل رفاهی و عمرانی، که از اهداف انقلاب است، در برابر قرار دارد. اتحادیه‌های دهقانی در گذشته در دورانی بوجود آمدند که جامعه ایران در اسارت رژیم ضد صنفی و ضد مردمی و حامی امپریالیسم قرار داشت و همه اهداف و برنامه‌های زیر بنی دهقانان متوجه بود. اما امروز اتحادیه‌های دهقانی در جهت انقلاب و برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران و دفاع از دستاوردهای آن و پیشبرد اهداف آن، که بسود زحمتکشان است، علیه امپریالیسم و پانگامیهای اجتماعی آن، منجمله بزرگ مالکی تشکیل میشود. امروز حفظ منافع دهقانان زحمتکش از پیشرفت جامعه انقلابی و تصحیح اهداف خلقی و رشد امپریالیستی انقلاب، که خود دهقانان سهم بزرگ و ارزنده‌ای در آن داشتند، جدا نیست. اتحادیه‌های دهقانی امروز می‌توانند بطور موثر به ارگانهای مسئول یاری دهند و از نهادهای انقلابی در روستاها حمایت کنند و از حمایت آن برخوردار باشند.

رهبری انقلاب توسط امام خمینی رحل و ری، که حامی مستضعفین است، و پیاداری فعالیت توده‌های روستائیان و وجود نهادهای ستوانی که نیروی خود را پیگیرانه در خدمت دهقانان زحمتکش قرار میدهند، شرایط پیروزی و موفقیت دهقانان را در مبارزه علیه بزرگ مالکی و بقایای فئودالیسم، در پی کار برای تولید هر چه بیشتر و ایجاد اقتصاد سالم و شرفی کثرت کشاورزی، برای زندگی بهتر روستائیان در روستاهایی که شایسته زیست انسانهاست، مساعد میسازد. اتحادیه‌های دهقانی می‌توانند وسیله کارساز و موثری باشند، تا از این امکان مساعد، انقلاب ما هر چه بیشتر بهره برد.

تشکیل اتحادیه‌های دهقانی، بعنوان سازمان صنفی دهقانان، بعد از انقلاب، بخصوص در شرایط فعلی که قانون واگذاری زمین به دهقانان تهرست از مرحله تصویب گذشته و بزودی با تشکیل هیئت‌های هفت نفری به مرحله اجرا در خواهد آمد، ضروری است. این اتحادیه‌ها می‌توانند در اجرای برنامه‌های اقتصادی و عمرانی دولت و نهاد های انقلابی نظیر جهاد سازندگی نقش مهمی ایفا کنند و مشارکت عموم دهقانان را تأمین نمایند و اسباب موفقیت برنامه رشد اقتصاد کشاورزی و ازدیاد تولید و همچنین بهسازی دهات را فراهم آورند.

این اتحادیه‌ها که در سطح روستاها و دهستانها تشکیل میشود، می‌تواند سازمانهای

هناگونه که در گذشته اتحادیه‌های دهقانی بعنوان شکل موثر سازمانی نهست دهقانان تیرد علیه نظام ارباب - رعیتی برگی زمین به تاریخ جنبش دهقانی ایران افزوده. امروز نیز وجود چنین سازمان صنفی برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب و پیشبرد اهداف آن، و برای حمایت از سیاستی منطبق با روح انقلاب و در راستای منافع زحمتکشان ضروری است. تشکیل دهقانان در یک سازمان صنفی در خدمت تمام انقلاب برای زندگی بهتر و جامعه‌ای پیشرفته‌تر است. خود دهقانان با پذیرایی از تجربیات گذشته و با الهام از تجربیات پدران خود و منجمله از ۳۷ امین سالگرد تاسیس اتحادیه‌های دهقانی، در این راه باید گام بر دارند.

در این جبهه نیز انقلاب را تحکیم بخشیم و به آن خدمت کنیم، تازه‌گی بهتر در روستای آبادی و اقتصاد شکوفائی داشته باشیم.

گذری به روستا

شولم در انتظار آینده

روستاخانه وجه این نهرهای کوچک در فصل تابستان، منظر زمانی که کشاورزان به آب نیاز دارند، اغلب خشک میشود. همین دلیل دهقانان همیشه در سخت سوخت مزارع خود پس می‌برند و در انتظار باران چشم به آسمان میدورند. از آنجا که این روستا در منطقه کوهستانی واقع است، با زدهی محصول آن نسبت به جلگه بسیار کم است. در این ده کشت کسب بیشتر از دو هکتار زمین مزروعی دارد. این ده بیش از ۳۰ خانوار خوش‌نشین دارد، که با سختی غیر قابل وصفی زندگی میکنند. برای نمونه «دهمته» را مثال شمر برده بود. زمین نیز چون سزادین کرده، اسال نتوانست به «کرجی کاری» برود. زندگیشان چگونه خواهد گذشت، خود نیز نمیدانند.

یکی دیگر از خوش نشینان «مکتب» است. مکتب از طرف جهاد سازندگی یک سری زمین بهایشان داده اند و

در مسیر ۵۰ کیلومتر از روستاهای فومن به شولم می‌رسیم. دیری نمی‌گذرد که شولم تصویر خود را به ما ارائه میدهد: روستایی در فقر و امید.

روستای شولم در فاصله ۱۶ کیلومتری فومن واقع شده است. در این ده بیش از ۳۰۰ خانوار در محوطه وسیعی بطور پراکنده زندگی میکنند. کار اصلی مردم این ده شالیکاری است. گروهی هم به دامداری مشغولند. در این فصل دهقانان ماهی خوراکی می‌کنند، و بوسیله چوپان به بیابان اراضی شولم بوسیله رودخانه‌ای که اهل محل به آن «گوزر» می‌گویند مشروب میشود. این رودخانه از وسط ده میگذرد و قسمت بالای ده نمیتواند از آب رودخانه بهره گیرد. زمینهای بیابانی رودخانه وسیله نهرهای کوچکی، که اهالی به آن «دره» می‌گویند، مشروب میشود. چه

گفته‌اند برود و این زمینها را آباد کنید. هر گویم ماله وسیله داریم و له پول که بتوانیم این زمینها را آباد کنیم. چون اگر نخواهیم وقت خود را صرف آبادی این زمینها بکنیم، طی این کار درآمد دیگری که نداریم. پس از کجا یاوریم تا شکم زن و فرزندان خود را سیر کنیم؟ غیرتمی بهداز یکسال کوشش و تلاش پیگیر توالتیم زمین را آباد کنیم مسئله آب را چگونه حل کنیم؟ رودخانه همین زمینها را نمی‌تواند مشروب کند، چه رسد زمینهای هم به آن اضافه شود.

در این روستا شورای ده تشکیل شده است، ولی بنایکته اهالی، از آنجا که این شورای موجود پایگاه توده‌ای ندارد عملیات توسعه هیچ کاری انجام دهد. جهاد سازندگی، با هیئتی از اهالی از قاپستان گذشته آغاز به تاسیس یک مدرسه راهنمایی تحصیلی کرد، که ساختمان آن هنوز در دست اقدام است. این روستا دارای یک مدرسه ابتدایی ۵ کلاس است. دانش آموزان زیادی هم دارد، که در دبیرستانهای فومن درس میخوانند. ولی رفتن بشهر بدلیل خرابی راه و نبودن وسیله، بخصوص در فصل زمستان، بسیار دشوار است. ده قومن دارای یک حمام است، که وسیله عمران روستای دروز به طاعون ساخته شده، ولی اهالی تا کتون نتوانسته‌اند آنرا مورد بهره‌برداری قرار دهند، چون قابل استفاد نیست.

در روستای شولم یک خانه بهداشت وجود دارد، که فاقد پزشک است. این خانه بهداشت دو کارمند محلی دارد که با بولبل اینکه داروخانه فاقد وسائل دارویی است، بیکار و فقط ماهانه مبلغی از بیشه‌فائل مردم دریافت می‌نمایند.

در این ده از وسایل ابتدایی چون کاروخیس جهت کشت استفاده میشود.

شولم نمونه‌ای است از سدها روستای فرزند گیلان، دولت انقلاب باید و میتواند سالها آنها را حل کند. جهاد سازندگی با امکانات کم، نقش مثبت خود را ایفا میکند، ولی باید دستگیر و کانی در اختیار کشاورزان قرار داد. باید آینده‌های ساخت که در آن واژه «مخوش نشین» دیگر هرگز جایی در آن نیابد و همه از فرط خویشت مطمئن باشند. روستائیان زحمتکش این آینده را با پایانه انتظار میکنند.

دهقانان کم زمین و بی زمین! با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر یابا و بسود شما اجرا شود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

به مناسبت روز همبستگی با مردم اروگوئه (۶ تیر)

خلق اروگوئه برای آزادی می رزمند

چندی پیش، روزنامه «دنیس» درویلند، ارکان کمیته مرکزی «حزب سوسیالیست متحد آلمان» متن مصاحبه‌ای را با آبرو آرزو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اروگوئه، منتشر کرد. رییس آبرو آرزو، که در همین ناپندگی کمونیست «ارگوئه» را در «گیت» هانگس، جبهه وسیع (فرهنگ آبلو) ترشح از کشور به سپه دارد، در این مصاحبه به تشریح بنیادی‌ترین مسائل جامعه اروگوئه و مبارزه قهرمانانه خلق اروگوئه علیه رژیم دیکتاتوری پرداخت.

آبرو آرزو می‌گوید: «رژیم ناپالی اروگوئه، که با برزیل در پیوسته از سال ۱۹۷۳ تاکنون زمام امور را دست دارد، امروزه تنها در داخل کشور، بلکه در خارج نیز بکلی منزوی شده است. کشور همچنان دچار

بی‌بافتی است. بحران اقتصادی همواره ادامه دارد. هم‌ترازها، رژیم دیکتاتوری ترانس است حزب کمونیست، سندیکای C.N.T. «فرهنگ آبلو» و دیگر نیروهای دمکراتیک مخالف را در شکست برزید، بی‌رحمی، هم‌پایا علیه رژیم کنونی از پشتیبانی هیچکس از احزاب و سازمانهای سیاسی، حتی حزب سوسیالیست، محکوم می‌شود و کم‌وکم‌های متشکل در حزب گمراه نیز برهمند نیست.

بنابراین حزب کمونیست اروگوئه تأکید کرد: با نژاد، ایستادگی، همدلی، خلق در برابر حکومت دیکتاتوری و گسترش همبستگی بین‌المللی، مرحله‌ای نو در مبارزه فداستداید مردم اروگوئه آغاز می‌شود. در این گسترش، در پیوسته از سال ۱۹۷۳ تاکنون زمام امور را دست دارد، امروزه تنها در داخل کشور، بلکه در خارج نیز بکلی منزوی شده است. کشور همچنان دچار

اروگوئه

ارگوئه کشور کوچکی است برآمریکای لاتین با سه میلیون جمعیت، که در سالهای پیش از کودتا، بنام سرریس آمریکای لاتین معروف بود.

پس از کودتای ۱۹۷۳ و شروع بحران اقتصادی در این کشور، تعداد زندانیان سیاسی به سه هزار نفر بالغ شد (و منی از هر هزار نفر یک نفر زندانی سیاسی است). پانزده هزار تن مردم از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم شده و ۶۰ درصد از شهروندان مجبور به مهاجرت گردیدند.

نظایران که اکنون در این کشور و سرکار هستند، برای «آزادی» جابه‌جایی این و ششای فسیست می‌خواهند تا بر اساس جدیدی را جایگزین قانون اساسی موجود کنند. «آبرو آرزو» خونین این کشور چهره‌ای «انسانی‌تر» بخشید. این کار در حقیقت دست سیاستمداران آمریکایی انجام می‌گیرد.

بنابر قانون اساسی جدید، فعالیت احزاب سیاسی، که در این رژیم‌های بین‌المللی هستند، ممنوع است. به‌دست دیکتاتور فعالیت حزب کمونیست، حزب سوسیالیست، دمکرات و حزب دمکرات سوسیالیست می‌شود. اما در رابطه با حزب پانزده هزار تن حزب گمراه، احزاب می‌توانند، بشرطی که در این کشور آنها برکنار شوند و در بران جدیدی توسط خونتای نظامی انتخاب شود، فعالیت مجدد خود را آغاز کنند.

این قانون اساسی جدید درامه فراموش‌ناشدنی را فراموش نماند، گذاشته خواهد شد. با وجود احتیاطهای لازمی که از طرف خونتای نظامی در این رابطه انجام گرفته است، هنوز نگرانیهای زیادی درباره تأیید آراء وجود دارد. یکی از افسران ارشد عضو خونتای نظامی، ژنرال مارگوز، در این رابطه چنین می‌گوید:

«اگر ملت رای «آری» دهد، یعنی با ما است. اگر رای «نه» دهد، یعنی ما با ما است که ما می‌توانیم کمونیست خود را دنبال کنیم و اگر رای «نه» دهد، یعنی اینکه به سیاست «خلاصی» ندادیم!»

نیروهای ضدامپریالیست اروگوئه در سرمایه‌پروردین ما سال جاری، مجمع رأی‌شمارت نمایندگان احزاب تشکیل دادند. مهم‌ترین هدف جبهه متحد این نیروهای دمکراتیک، در حال حاضر سرنگونی رژیم دیکتاتوری اروگوئه است. دمکراتهای اروگوئه خواستار آزادی و عفو تمام زندانیان سیاسی و بازگشت بدون قید و شرط تمام مهاجرین سیاسی هستند.

حزب کمونیست اروگوئه، که فاصله ماه دیگر شصتین سالگرد تأسیس خود را جشن می‌گیرد، طی اطلاعیه‌ای از تمام نیروهای دمکرات درجهان برای پشتیبانی از مبارزه مردم اروگوئه قضایای همبستگی کرده است و مانند دیگر نیروهای دمکراتیک اروگوئه خواستار آزادی زندانیان سیاسی بویژه افراد زیر است:

ژنرال لیس سرگنی: صدر «جبهه وسیع اروگوئه»، خوانیم بیرس: عضو حزب کمونیست اروگوئه، خوزه لوئیس مایر: عضو حزب کمونیست اروگوئه، ژاورد دکواترا: عضو حزب کمونیست اروگوئه، ولادیمیر توریانسی: عضو حزب کمونیست اروگوئه، روزاریو بیتریاوریا: عضو حزب کمونیست اروگوئه، لئون رلو: عضو حزب کمونیست اروگوئه، ژرژ مازاریو: عضو حزب کمونیست اروگوئه، ریئا این بور: عضو حزب کمونیست اروگوئه، اسلوا برزالی: عضو حزب کمونیست اروگوئه، آبرو آرزو: عضو حزب کمونیست اروگوئه.

وزیر کشور جمهوری دمکراتیک افغانستان در ژانویه ۱۹۸۰، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

یک ضرب‌المثل قدیمی افغان می‌گوید: «به دروغشگره رویدی، از شمال عقاب می‌سازد».

وقتی انسان لاپلاط روزنامه چینی «ژن‌بین ژینان» را درباره اوضاع افغانستان می‌خواند، بر اختیار یاد این ضرب‌المثل می‌افتد. این پلنگ‌گویی تبلیغاتی پکن، که در اختراع سرخوشی شادمان پطولا دارد، می‌کشد که اعمال چنانچه‌کارانه دست‌های راهزن تروریست ضدانقلابی را که از خارج به جمهوری دمکراتیک افغانستان فرستاده می‌شوند و پکن خود درآمده کردن آنها شرکت مستقیم و فعال دارد، «جیش خلق» چاره دهد.

پکن از زمان آغاز انقلاب شور به دشمنی با افغانستان انقلابی و مردم آن برخاسته تاکنون نیز به این دشمنی ادامه میدهد. تهدیدهای آشکار علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، که هنگام بازگشت ایران و وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا از اینجانب گرفت و مسافرت فراموش‌ناشدنی و تریک‌آشکار ژنرال «آ» وزیر خارجه چین به پاکستان - کشوری که سرزمین آن اکنون به‌دست‌گیری و پایگاه امپریالیست و ارتجاع برای تهاجمات و زلزله به جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل شده - گواه بر آنست که برتری-جریان چین مستند در آینده نیز به‌افضل خصم، خود علیه افغانستان ادامه دهند.

بر کسی پوشیده نیست که نیروهای امپریالیست و هم‌دستان چینی آنها از همان نخستین روزهای پس از انقلاب شور به «جنگ اعلام‌شده‌ای» علیه کشور مستقل افغانستان پرداختند. برای این جنگ نظامی شده علیه افغانستان، بیش از ۵۰۰۰۰۰ تن سرباز و حداقل ۱۰۰ پایگاه ویژه در خاک پاکستان تشکیل شده است، که در آنجا «مستشاران» چینی و آمریکایی گروههای ضدانقلابی را جمع‌آوری می‌کنند، و تعلیم می‌دهند. طبق اطلاعاتی که در دست است، در حدود ۱۰۰ هزار تن از افراد شورشی‌های افغانستان به پاکستان فرستاده شده‌اند. این گروهها برای اعزام به افغانستان به‌دست‌آمده‌اند و در آنجا با تمام وسایل و تجهیزات «مخفی» از جمله «خرابکاری» تکرار می‌شوند. چه گستاخی و روحانی می‌خواهند که انسان این دوران ضد انقلاب را «چریکی» افغانی بنامد. «ژن‌بین‌ژینان» بدون تردید و غده و جودان چینی می‌کند و پکن به‌روشنی غلبت طلبانه «میلیتاریستی» و تهدید مردم عبرت‌دانش به تمام کسانی که مایل نیستند سیاست خود را طبق نسخه‌های «خاتمان»ی «مادریستی» تنظیم کنند، دعوی ارضی بر سر دیوار علیه «سایگان» مطرح می‌سازد. انقلاب افغانستان نیز در این میان مستثنی نمانده است. مدعیانست که در میان چین به‌دشمنان، یکی از مناطق کوهستانی افغانستان، که با چین مرز مشترک دارد، چشم‌دیده‌اند.

طول مرز افغانستان با چین نقطه «مقدار» کیلومتر است، اما پکن و سران نظامی و سازمانهای جاسوسی چین، می‌گیانتر آوا به پایگاهی برای تجاوز مسلحانه به کشور مستقل جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل کرده‌اند.

روزنامه هندی «نایز اف ایندیا» در ۴ ژانویه ۱۹۸۰، چنین نوشته است: «طبق اخبار واصله، چین از طریق پاکستان به شورشیانی که در خاک افغانستان می‌جنگند، روزی نمی‌گذرد که دسته‌های راهزن از خاک چین به‌دشمنان فرستاده نشوند. صنایع مستشاران، چینی نیز همواره دست



حقایق درباره افغانستان (اسان واقعات و شواهد)

همکاری آمریکا، چین و پاکستان علیه افغانستان

چنگ افزار و اسلحه سیک از قبیل تنگ خودکار، فارنیک و موشک ضد هوایی تحویل میدهند. بدین منظور هواپیمای باری جیش منظر به پاکستان پرواز میکنند.

روزنامه انگلیسی «دیلی تلگراف» در شماره ۵ ژانویه سال جاری نوشت: «چین مقدار زیادی اسلحه و مهمات به هندوستان از طریق افغانی تحویل میدهد. این اسلحه و مهمات را چین مستقیماً از مرز ترکمن و همچنین از طریق چانه شومه قوه قوروم که از پاکستان می‌گذرد، ارسال میدارد. دیپلمات‌های کشورهای آسیای برآندگه پشتیبانی چینی‌ها از هندوستان از طریق افغانی روز بروز بیشتر و افزایش می‌یابد. در این اواخر دهی تی از بریان چینی وارد هندوستان شده است. انقلابیون افغانی شده‌اند».

روزنامه «پتریت» هندوستان در ۱۸ ژانویه ۱۹۸۰ چنین نوشت: «چین با هندوستان در شمال افغانستان، یعنی به‌دشمنان، با تانک و مهمات مشترکند. گروهی از فعال چینی در ناحیه کوهستانی واکان به داخل خاک افغانستان رفته کرده‌اند».

روزنامه «گرافیک» (کوبا) در ۲۱ ژانویه ۱۹۸۰ شرحی بدین مضمون انتشار داد: «واحدی از نیروهای مسلح افغانستان به منطقه خیزش چین اعزام شده‌اند. قوروم تجاوز آشکار علیه افغانستان از سوی چین دفع کنند. هفت هاست که در ناحیه مرزی چین و افغانستان مشغول سربازان ترکمن فعالیت می‌کنند. تعدادی از این بخش کوهستانی تقریباً نیمه‌کوز، مشاهده می‌شود. آنان سعی در تخریب امکان تجاوز به افغانستان را در جبهه پانزده می‌شوند و بر آنست که این تجاوز ممکن است در نتیجه پاکیزه و قهار و کوهانه، که در نزدیکی مرز پاکستان واقع است، آغاز گردد. مستشاران آمریکایی و انگلیسی و چینی به تعلیم تعدادی بیش از ۷۰ هزار نفر برای عملیات علیه افغانستان پرداخته‌اند».

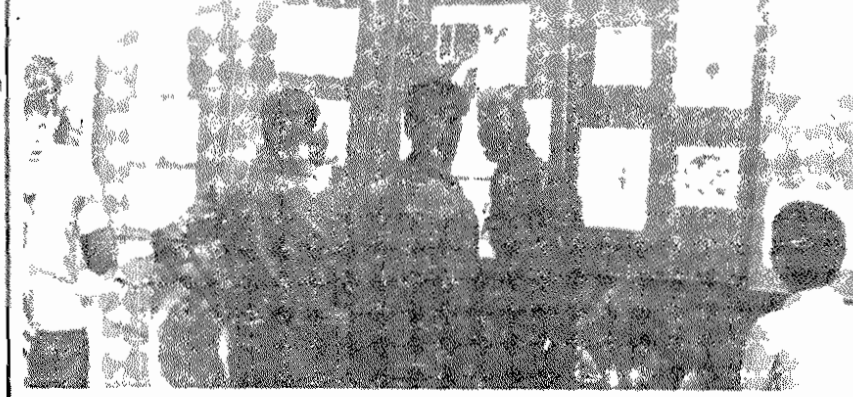
«الفسیر» (لبنان) در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ می‌نویسد:

«دخالت نظامی آشکار چین در امور داخلی افغانستان موجب وخامت اوضاع در تمامی این منطقه می‌شود. این دخالت‌ها نیز با نمانند سرشت تجاوزکارانه سیاسی چین است که می‌کوشد افغانستان را به کام چینی‌ها تبدیل کند. پکن تمام و کمال به امریکای جبهانخواه پیوسته است و اکنون در صف واحد نیروهای ارتجاعی و تجاوزکار، علیه سوسیالیسم و دمکراسی تمام بره‌میدارد. به باور افغانی، امریکا اسلحه و ابزار جنگی به آشوبگران افغانی تحویل میدهد و کارشناسان و مستشاران خود را به نزد آنها می‌فرستد. بدین‌سان رهبری پکن انتهای خود را در بر به اصطلاح عدم دخالت در امور کشورهای دیگر بکلی زیر پا نهاده و حاکم افغان را آماج تجاوز مستقیم خود قرار داده است».

روزنامه هندی «نایز اف ایندیا» در شماره ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۷۹ خود می‌نویسد: «مخاطف حاکم چینی مائوئیستی پاکستان پشت ضدانقلاب افغانستان قرار دارند. هدف آنها است که درگیری چینی شکی نمانده است که پایگاه ضدانقلابیون افغانی در اردوگاری نائل کشور پاکستان واقع است. افسران ارتش پاکستان و چین، این تبهکاران و خرابکاران را مورد آزرده‌اند و تعلیم می‌دهند».

روزنامه هندی «نایز اف ایندیا» در ۴ ژانویه ۱۹۸۰، چنین نوشته است: «طبق اخبار واصله، چین از طریق پاکستان به شورشیانی که در خاک افغانستان می‌جنگند،

نمایشگاه به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد در گنبد



به مناسبت بزرگداشت سالروز ۱۵ خرداد از طرف حزب توده ایران - سازمان ترکمن - صحرا نمایشگاهی ضد امپریالیستی در شهر گنبد کاووس برگزار شد. این نمایشگاه که مدت ۴ روز ادامه داشت، با استقبال پرشور تماشاچیان رو بر رو گردید.

رفقای حزبی!
هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در نامه مردم از ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل کثیر کثیر و توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

بحران آتلانتیک

در اردوگاه امپریالیستی تضادهای سیاسی و اقتصادی تشدید میشود نظری به حوادث امروزی جهان

اقیانوس اطلس را درزبانهای اروپایی «آتلانتیک» می‌نامند. آتلانتیک (یا اطلس گرایی) یک مقوله سیاسی است، که پس از جنگ دوم جهانی باب شده و معنایش حفظ اتحاد نظامی و سیاسی کشورهای دوسوی اقیانوس اطلس، یعنی اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا و کانادا است.

البته مفهوم اتحاد امپریالیستی، در زیر رهبری امپریالیسم آمریکا، از «اتحاد اطلسی» وسیع تر است، زیرا ژاپن و یک سلسله کشورهای دیگر سرمایه‌داری جهانی نیز در آن شرکت دارند. اما تردید نیست که «اتحاد اطلسی» محور اساسی و مرکزی اتحاد امپریالیستی است. گاه ژاپن را بعنوان «غرب دور» بجای «شرق دور» اصلا جزء ممالک غربی حساب می‌کنند.

روح این اتحاد آنست که چون ایالات متحده آمریکا در دو جنگ جهانی پس از آن گویا نقش رهاگر را از جهت جنگی و اقتصادی برای سرمایه‌داری اروپایی ایفا کرده (و حال آنکه در واقع منافع خود را حفظ نموده) لذا دولتهای اروپای غربی باید «رهبری» ایالات متحده آمریکا را بپذیرند و در مقابل با «خطر کمونیسم» و در تنظیم تاکتیک و استراتژی بین‌المللی و در مسائل مالی و بازار و مواد اولیه و تنظیم سیاست در «جهان سوم» بدنبال او باشند.

ولی مارکسیستها بلافاصله پس از دوران جنگ دوم جهانی متذکر شدند که «اتحاد اطلسی» فقط تا زمانی میتواند بصورت یک اتحاد اثربخش در جهان وجود داشته باشد، که اولاً کشورهای اروپای غربی و ژاپن برای احیاء اقتصاد جنگ‌زده خود به کمک دلار و قرضه آمریکا نیازمند باشند. ثانیاً منافع این کشورها در زمینه بازار، مواد اولیه، با منافع ایالات متحده وارد تناقض نشود، والا این اتحاد دوام نخواهد آورد.

مارکسیستها در همان ایام تشکیل «پیمان اطلس یا آتلانتیک» (۱۹۴۹)، و پس از آن، یادآور شدند که «بدهستی» و «لاف و کزاف» ناشی از این پیمان نمیتواند در تاریخ طولانی باشد و امروز در خواهد رسید که بویژه کشورهای آلمان غربی و ژاپن، با تبدیل خود به قدرت، از سیاست اطاعت آمیز امروزی خود به‌واشنگتن، دست بردارند و روشی مستقل تر اتخاذ کنند.

ایالات متحده آمریکا بزرگترین مساعی را برای تحکیم اتحاد آتلانتیک بکار برده و میبرد. حتی جان فوستردالس، که دوران او هنوز دوران اوج قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی آمریکا و سیطره جهانی این کشور

بود، از دورنمای «اتحاد اطلسی» نگران بود و می‌گفت که «مسئله اتحادها» بفرنجی‌ترین مسئله در سیاست خارجی آمریکاست، که اگر آمریکا موفق شود آنرا بود حفظ رهبری خود حل کند، میتواند فراغت خاطر داشته باشد.

در واقع بزودی «گلیسم» در فرانسه شروع شد. این واژه از نام ژنرال شارل دوگل مشتق شده است. ژنرال دوگل در دوران جنگ دوم جهانی، و مقاومت ملی فرانسویها را علیه اشغالگران فاشیست آلمان رهبری میکرد و از این جهت نام و نشانی یافت و مایه امید برای بخش مهمی از بورژوازی فرانسه شده میشد. دوگل در ایام ریاست جمهوری خود، در مقابل تحمیل اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا راه مقاومت در پیش گرفت، تا منافع بورژوازی امپریالیستی فرانسه را در کشورهای «جهان سوم» و دیگر نقاط جهان از شر رقابت خردکننده آمریکا برهاند. پس از دوگل، ژرژ پمپیدو و ژیکسکاردستن، رؤسای جمهور فرانسه، هر یک بدست خود «گلیسم» را ادامه داده‌اند.

مطلب به فرانسه محدود نماند. آلمان غربی و ژاپن و ایتالیا و حتی «پسرعموی» آمریکا، انگلستان نیز، بناگزیر وارد تناقضاتی با آمریکا شدند. این منطبق حوادث عینی است و به‌خواست و نخواست احدی مربوط نیست.

در حال حاضر این تناقضات در مسائل مربوط به افغانستان و ایران، تحریم المپیک، محاصره اقتصادی کشور ما، مداخله نظامی طیس، تمرکز نیروی نظامی در اقیانوس هند و دریای عمان، بحران خاورمیانه و غیره بروز کرده است.

کوشش دولت کارتر و معاون امنیتی اش برژینسکی برای واداشتن اروپای غربی به اطاعت کامل از تحمیلات سیاست آمریکا،

بیش از پیش با مقاومت متحدان اروپای غربی و ژاپنی روبرو میشود. البته باید توجه داشت که متحدان آمریکا تحت اشغال نظامی او هستند. آمریکا دهها میلیارد دلار در این کشورها سرمایه‌گذاری کرده و آنها را به بازارهای داخلی خود وابسته ساخته است. آمریکا با تازیان دلار و نوساناتی که در آن مصنوعاً ایجاد می‌کند، متحدان خود را می‌کوبد و ادب می‌کند. در واقع نیز این کشورها بدون آمریکا قادر نیستند برای حفظ منافع طبقاتی بورژوازی، که همه نماینده آن هستند، روند نیرومند انقلابی جهان امروز را (که در آخرین تحلیل علیه نظام سرمایه‌داری است) مهار کنند. لذا سیاست خارجی آمریکا قادر است این «کودکان شیطان» را بجای خود بنشانند. ولی مسئله اینجاست که اجراء وظیفه «ادب کردن» دمدم دشوارتر میشود، زیرا قدرت اقتصادی متحدان آمریکا اکنون از همیشه در تاریخ بیشتر است. درجه وابستگی خود آمریکا نیز به متحدانش کم نیست. علاوه بر این متحدان با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای «جهان سوم»، آنچنان وابسته پیچیده‌ای دارند، که قادر نیستند صاف و ساده خود را در اختیار تحمیلات واشنگتن قرار دهند. مثلاً اکنون ۱۰ درصد اشتغال در آلمان فدرال بسویالات اقتصادی این کشور با کشورهای سوسیالیستی وابسته است از آن گذشته یک جنگ جهانی امروزی، کوچکترین دورنمای امید بخشی برای این کشورها ندارد. لذا این دولتها «بیک سنگین» میکنند و برای قبول یا عدم قبول تحمیلات آمریکا اکنون دیگر «سیاست‌گزینش» را در پیش گرفته‌اند؛ چه چیز را بپذیرند، و چه چیز را نپذیرند. البته تألیفاً که بتوانند.

بهنوان مثال و برای مجسم کردن بحران آتلانتیک، روابط کنونی فرانسه و آمریکا میتواند وضع را بخوبی نشان دهد. ملاقات اخیر واری ژیکسکاردستن، رئیس‌جمهور فرانسه، در ورو، با ژنرال دوگل رهبر اتحاد شوروی سخت مایه عصبانیت و گله واشنگتن شد. در مصاحبه جوینس بارناتان، مخبر مجله معروف آمریکایی «نیوزویک»، با ژان فرانسوا پووسه، وزیر خارجه فرانسه (که در شماره ۱۸ ژوئن ۱۹۸۰ این مجله چاپ رسید) نکات عمده اختلاف فرانسه و آمریکا منعکس شده است. در جلسه اخیر بازار مشترک در ونیز (که قبل از جلسه سران کشورهای غربی تشکیل شد) فرانسه از آن‌چنان نظریاتی برای حل مسئله اختلاف بین فلسطین رزمندگان و اسرائیل مهاجم سخن گفت، که موجب اعتراض نماینده کارتر شد. معلوم شد که بر اختلافات گذشته در مورد افغانستان و ایران، اختلاف تازه‌ای درباره شیوه حل بحران خاورمیانه، افزوده می‌شود. جلسه سران کشورهای غربی در ونیز یک جلسه «نمایش وحدت» است، که نمایندگان تضادهای پس‌پزده‌نیست و همه کشورهای سرمایه‌داری آنرا در چارچوب «وجه اشتراک» جویس بارناتان در مصاحبه‌ای که از آن

سخن گفتیم، گله‌مندها در خطاب به زبان فرانسوی‌نویسانه گفت:

«ایالات متحده آمریکا مکرر در مکرره فرانسه از جنگ اول جهانی تا کنون کمک کرده است. ولی فرانسه زمانی که ایالات متحده معتقد است، از سیاست پشتیبانی محکم متحدان خود بیازمند است، از سیاست آمریکا پشتیبانی نکرده است. آیا معنی این سخن این نیست که دیگر فرانسه تعهدی را در مقابل آمریکا احساس نمی‌کند؟ فرانسه دولت کارتر را مورد انتقاد قرار داده است که در مسائل کلیدی سیاست با متحدان خود مشورت نمی‌کند. با اینحال وقتی ادویند ماسکی، وزیر خارجه آمریکا، فرانسه را انتقاد کرد که نقشه‌هایی برای ملاقات با رئیس‌جمهور برژنفل دارد، شما پاسخ دادید که فرانسه تعهدی برای اجراء چنین مشورهایی ندارد. چگونه شما میتوانید از یک موضوعی که اگر نگوئیم سالوسانه است، لاف‌زنانی گیراست، دفاع کنید... چرا فرانسه دست به مجازات اقتصادی شوروی نزده است؟»

طبیعی است که ژان فرانسوا پووسه به انتقادات مخبر نیوزویک پاسخ داد و از آنچه درباره آخرین ایراد جوینس بارناتان (راجع به مجازات اقتصادی شوروی) گفت:

«بازگانی ما با شوروی یک بازرگانی متوازن است. برخلاف آمریکا که صادراتش به شوروی، بیش از واردات او از این کشور است. اگر ما دست به مجازاتهای اقتصادی بزنیم، این مجازات علیه خود ما خواهد بود. به اتحاد شوروی زیان کمی میرساند. آیا این عاقلانه است؟»

این مصاحبه، چنانکه گفتیم، برای نشان دادن بحران آتلانتیک نمونه‌وار است. زیرا نظیر این جریان (البته با تغییرات مربوطه) بین آلمان غربی و آمریکا نیز وجود دارد. آلمان غربی برخلاف فرانسه، کده تحریم المپیک دست نزد المپیک را تحریم کرده، ولی معتقد به ادامه سیاست تشنج‌زدایی است و بهمین جهت بزودی آشپیت و گنچر، صدراعظم و وزیر خارجه آلمان فدرال، به مسکو میروند.

مسئله تشنج زدایی مسئله مرکزی است. ایالات متحده آمریکا اتفاقاً خواستار برهم زدن روند تشنج‌زدایی است، زیرا آنرا برای سیاست تحمیل و تحکم جهانی خود مضر میدانند و به‌چشم خود می‌بینند که در سایه تشنج زدایی، هم انقلابات رهایی‌بخش در جهان بسط یافته‌و هم پیوندهای اقتصادی جهانی توسعه گرفته‌و هم متحدانش به سوی اتخاذ روشهای مستقل‌تر کشیده‌میشوند. آمریکا میخواهد «روح‌هلسینکی» را دفن و تشنج جهانی را احیا کند، زیرا تشنج و تسلیحات برای امپریالیسم آمریکا نسخه‌جات بخش تلقی می‌شود.

تصویب بودجه یک تریلیونی تلیجاتی (۱۹۸۵ - ۱۹۸۰) در آمریکا، گام اساسی در راه تجدید سابقه تسلیحاتی، احراز برتری نظامی بسود آمریکا و ادامه سیاست سیطره جویانه است. هدف همهمین اقدامات بازگشت به‌ایام خوش آتلانتیک است. ولی ایالات متحده با نهایت اسف می‌بیند که این کار شدنی نیست. کوشش برژینسکی برای احیاء «تصمیم» این وضع بدرگدن «تصویر نادرست» سایدروس و بس آوردن شخصی مانند ادویند ماسکی، که با تأیید «قدرت متعادل» (اختراع کارتر و برژینسکی) موافق است، کوشش برخشی نیست. علت تاکامی سیاست جهانخوارانه آمریکا، در تصورات این وان نیست، وضع عینی جهان تغییر کرده است.

هنگامیکه در ۱۹۴۹ پیمان آتلانتیک شمالی تشکیل شد و «آتلانتیک» تولد خود را با شور و هیجان اعلام کرد، آمریکا قریب ۵۲ درصد تولید صنعتی جهان را در دست داشت. اکنون این رقم به ۲۳ درصد رسیده است. نفرزاد کوتیبنی مانند کارتر و برژینسکی تصور میکنند

سند برینمای کلی تحلیل مارکسیستی تنظیم شده و از اسناد مهم جنبش رهائی بخش ملی ضد امپریالیستی مردم ایران است.

کنگره دوم از مبارزه درون حزبی نتیجه‌گیریهای سازمانی نیز بعمل آورد. جلیل‌زاده و عده‌ای دیگر را، که در انحرافات خودبافشاری میکردند و موجب‌دوگانگی در داخل حزب بودند، از صفوف حزب اخراج کرد. در کنگره کمیته مرکزی یونینی انتخاب شد: آخوندزاده، سلطانزاده، حسین شرقی، نیکی‌بین، پیشه‌وری، سیفی و دیگران وارد کمیته مرکزی گردیدند.

نتیجه‌عمده کار کنگره دوم ایجاد وحدت ایدئولوژیک و سازمانی در حزب بود. در نتیجه، کار سازمانی و تبلیغاتی حزب گسترش یافت. در کنفرانسها و جلسات عمومی، که با حضور نمایندگان کمیته مرکزی برگزار میگردد، کمیته‌های ایالتی و ولایتی نوین انتخاب شدند. به‌نوعی فاقد سازمان حزبی نمایندگان اعزام گردید. کار سازمانی با وجود شرایط تروار و تعقیب پلیس رونق گرفت. مجله ستاره سرخ در نخستین شماره خود متذکر شد که کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، با در نظر گرفتن آرزوی خیلی از سازمانهای حزبی، تصمیم گرفت که ارگان علمی حزب را چاپ و منتشر سازد، تا اعضای جوان حزب بتوانند از نزدیک با نظریه و عمل مارکسیسم - لنینیسم آشنا شوند. (شماره ۱-۲، سال اول، ۱۳۰۸)

یکی از جنبه‌های چشمگیر مجله ستاره سرخ ترویج

نبرد ایدئولوژیک حزب کمونیست ایران

که با تجدید یک جلسه باشکوه پیمان آتلانتیک - چنانکه سال پیش در واشنگتن انجام گرفت، - میتواند فضای از جهت تاریخی مرده‌ای را احیاء کنند. در همان جلسه بلند اجوبت، رئیس جمهوری وقت ترکیه، ضمن نطقی گفت که ترکیه به خطر شوروی علیه خود معتقد نیست و این دوش سردی بود برای آقایان کارتر و برژینسکی، زیرا درست بنابه‌دعوی «خطر شوروی»، جلسه پیمان آتلانتیک با آنهمه جاه و جلال در واشنگتن برپا شد. در ۱۹۴۹ تصور نبود که نماینده ترکیه چنین حرفی را بزند. در آن موقع امر «عموسام» بی‌بروبر گرد بود. ولی امروز جهان بکلی دگرگون شده است. وجود جامعه مقتدر کشورهای سوسیالیستی، و تعداد کثیر کشورهای ضداامپریالیستی مستقل، تشدید بی‌سابقه تناقضات بازار امپریالیستی، رکود و تورم در اقتصاد جهان سرمایه‌داری، وضع نوری را بوجود آورده است. انقلاباتی مانند انقلاب کشور ما، که خود زاده این وضع نوست، در آن اثرات عمیقی باقی می‌گذارد و آنرا بنوبه خود به‌جمله میرانند.

امپریالیسم آمریکا میتواند هنوز نتایج متعده بکند. این امپریالیسم گفگان نیرومند است. تفرعن و خودخواهی و واکنش‌گری عصبی او از حد و اندازه بیرون است. این امپریالیسم میتواند اینجا و آنجا ماجرا برآه افکند. اینجا و آنجا به‌پیروزی موقت برسد؛ اینجا و آنجا جنبشها را در خون غرق کند. «مخالقیات» این امپریالیسم، که از گانگترسیم و مکاتب «ماقی» و «سپاه‌کشی» کوکلوکس کلان سرچشمه می‌گیرد، بر همه جهانیان روشن است و در ماجرای «سرتنک‌بک‌ویش» در طیس تمام ماهیت اهریمنی خود را نشان داده است.

آری، امپریالیسم آمریکا میتواند هنوز به چنین عکس‌العمل‌های زشت و وحشیانه‌ای دست یازد. ولی عکس‌العمل جنون‌آمیز چیزی است و سیاست تاریخی و مدبرانه دورنمدار چیزی دیگر. آری، امپریالیسم آمریکا یک چیز رانمی - تواند پدید آورد و آن احیاء ایام خوش آتلانتیک است. این ایام برای ابد در دره گذشته غلطیده است. جهان بیدار، فعال و رزمند امروزی، غیر از جهان سال ۱۹۴۹ است. اگر «دوران ملکه ویکتوریا» در امپراطوری بریتانیا برگشتی است، پس «دوران دالس» در سیطره جویسی جهانی ایالات متحده آمریکا نیز بازگشتی است. عمل این امپریالیسم در کشورها، که در همه‌جا رخنه کرده‌اند و هنوز پس از انقلاب نیروی معتبر ارتجاعی در جامعه ما هستند، به قدرت ارباب و مزارع اقیانوس برپا میدهند. آنها باور نمی‌کنند که آفتاب بورژوازی انگلساگسون در حال غروب است. آنها در وحشیگری و تفرعن ارباب شریکند، مانند همه نوکران رذلی که زانل را در داستان ارباب خود می‌آموزند.

ولی، آئیده‌بمعنای وسیع این کلمه (نهبه‌معنای محدود آن) برای این افراد نیز در چنتای خود جز یاس چیزی ندارد. واکنش‌های یاس‌آمیز و خشمگین آنها تنها گورتاریخی‌شان را ژرفتر و فراختر می‌کند، تاب‌بازگشت در آن فرو غلطند. آنها قادرند بازمه اوپاشانه به حرکتی دست یازند، ولی قادر نیستند مسیر تاریخ را دگرگون کنند. آنها محکوم بزواند و هر اندازه هم که از شنیدن این خبر بد دیوانه‌شوند و با چنگ و دندان جان‌خبر دهند، بیافزند، هیچ چیز مطلقاً هیچ چیز، نروش محتوم و پر از آداب آنها را عوض نخواهد کرد.

بحران آتلانتیک، یعنی تشدید بی‌سابقه تضادهای درونی امپریالیسم، همراه بحران اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری امپریالیستی در مجموع خود، مبشر روزهای بهتری برای بشریت است. اینهمه روشن است که این روزهای بهتر پیوسته بنسختی شکل می‌گیرد و بادری زائیده میشود و برپانی میدهد. مارکس میگوید: «خلافت تکامل باده خود را در گاسه‌س شهیدان می‌نویسد».

اندیشه‌های نظری مارکسیسم - لنینیسم در ارتباط نزدیک با رویدادهای زندگی روزانه مردم ایران و جهان بود. از این نوع مقالات بویژه باید از مقاله اقتصادی پیرامون وضع «مطیوعات مزدور درباری» (شماره ۳)، وظایف اساسی حزب کمونیست ایران در مبارزه در راه اتحاد کارگری و دهقان و ایجاد حکومت کارگری (شماره ۷ - ۸)، وظایف حزب درباره تجدید سازمان اتحادیه‌های کارگری و موسسات پرولتری (همانجا)، وظایف حزب در روستا (همانجا)، کار در ارتش (همانجا) ایجاد و نشر مطبوعات کارگری (همانجا) و بویژه مقاله مربوط به «اولین وظیفه اساسی حزب»، یعنی «تبدیل آن به حزب توده‌های پرولتری» (همانجا) را باید نامبرد. از مقالات روزنامه پیکار نیز (که در اجرای تصمیمات کنگره دوم شروع به‌انتشار کرده بود) بویژه باید از ضمیمه شماره یکم (۲۴ بهمن ۱۳۰۹)، مقاله انتقادی «خطر روس و چریده «ملی» ایران» (شماره ۲)، «ایران و جنبش کارگری انگلیس» (شماره ۷)، «انقلاب ملی عبارت از چیست و چرا ما طرفدار آن هستیم» (شماره ۸)، «ماچه می‌خواهیم» (شماره‌های ۸ و ۹)، «رژیم بیدار» (شماره ۹)، مورخه ۲۳ تیر ۱۳۱۰، خبر جنایت منحص رژیوم رضاخان، یعنی «خفه کردن مدرس» را منتشر کرده‌سپس (شماره ۱۵ مورخه ۲۲ مهر ۱۳۱۰) در جواب سید حسن موسوی نامی (که در صورت تکذیب خبر وتبرئه حکومت‌رضا شاه بود) پرده از روی جنایت رژیم برمی‌دارد و ماهیت رژیم خونخوار را بیش از پیش افشای میکند.

بقیه از صفحه ۳
یکی دیگر از مسائل مهم مورد بحث کنگره، مسئله ملی در ایران بود. ایران کشوریست که در آن اقوام و خنق‌های گوناگون زندگی میکنند. در دهانمانه سابق حزب (ترهای بنام حیدر خان دربارہ «وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست» باین مسئله مهم توجه لازم نشده بود. امروز هم که شصت سال از تأسیس حزب کمونیست ایران می‌گذرد، هنوز برای خیلی از اندیشمندان و نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور این مسئله بقدر کافی روشن نیست. کنگره حزب خواه در ترحامی خود و خواه در برنامه حزب، که تصویب کرد، خط مشی روشی در این زمینه اتخاذ کرد. در ترحامی کنگره گفته شده است:
«حزب کمونیست ایران باید مطالبات و شعارهای عمومی تمام احزاب کمونیستی دنیا را راجع به مسئله ملی، یعنی حق حرت بر استقلال کامل خود را جزء برنامه خود قرار دهد.»
و در برنامه حزب حق تعیین مقدرات خلقهای ساکن ایران برای اولین بار بصراحت ذکر گردید. حزب کمونیست ایران از آن پس نیز همواره در فعالیت سازمانی و ایدئولوژیک خود، مخالفت با اعمال سیاست تبعیض و ستم ملی، طرفداری قطعی از اتحاد واداء طلبانه خلقهای ساکن کشور در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران را بیان داشته‌است. در توضیح برنامه حزب دربارہ مسئله ملی، پس از نقل سخنان لنین (آنجا که می‌گوید: اگر ما آزادی جدها را برای همه ملت‌ها و مظلوم و نابرابر حقوق، بدون استثناء طلب می‌کنیم، این به‌بجوه بدن جهت نیست که ما هوادار جدا شدن آنها

احزاب و افراد به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران به حزب توده ایران شادباش میکنند

حزب کمونیست رومانی:

فعالیت حزب توده ایران در خدمت پیشبرد و دفاع از منافع اساسی زحمتکشان و خلق دولت ایران و تحقق آرمانهای آن برای دموکراسی، پیشرفت اجتماعی، شکوفایی، استقلال، صلح و تفاهم بین المللی قرارداد

پام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی به کمیته مرکزی حزب توده ایران

لازطرف حزب کمونیست رومانی و دبیرکل آن، رفیق نیکولاہ چائوسکو، بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، تبریکات صمیمانه و بهترین آرزوهای موفقیت را برای فعالیت شما، که در خدمت پیشبرد و دفاع از منافع اساسی زحمتکشان و خلق دولت ایران و تحقق آرمانهای آن برای دموکراسی، پیشرفت اجتماعی، شکوفایی، استقلال، صلح و تفاهم بین المللی قرار دارد، تقدیم مینمایم.

سالگرد این رویداد در شرایط تحولات عمیق انقلابی، ملی و اجتماعی، و به هنگام دگرگونیهای سریع در تناسب نیروها در صحنه جهانی برگزار میشود. دگرگونیهایی که نشانگر اراده همه خلقهاست در جهت پایان دادن به سیاست امپریالیستی، استعماری و نواستعماری، بخیال زندگی آزاد و مستقل در شرایط صلح و امنیت، برای آنکه بر مبنای ملی خود حاکم باشند و سرنوشت خود را بدون هیچ مداخله از خارج تعیین کنند و وحدت و شصتگی تمام نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه را در مبارزه علیه استعمال زور و با تهدید به زور، برای حل تمام مسائل مورد بحث فقط، آرزو، مذاکرات تحکیم

بخشد. این فرصت را غنیمت میشمیریم و برابر با اطمینان میکنیم که مناسبات دوستی، همکاری و همبستگی موجود بین حزب کمونیست رومانی و حزب توده ایران از این بیست و نه سال بر اساس احترام متقابل و در راه رشد و گسترش مداوم مناسبات بین دو کشور و دو خلق در زمینههای گوناگون، در راه تحکیم همبستگی تمام نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی سراسر جهان، در راه پیروزی آرمانهای صلح و سوسیالیسم تحکیم خواهد یافت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی

قابل توجه رفقا و دوستان گزارشگر نامه مردم

تفاننا میکنیم برای تسهیل عکس از محیطهای روستایی حتی امکان از حلقههای فیلم ۱۶ میلی استفاده کنند و یا تعداد عکسهای استفاده شده را در هر فیلم، ذکر کنند. تا بدین طریق عکسهای روستایی از آن مورد استفاده قرار گرفته فقط با چند عکس هنر نرود از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. اگر امکان دارید عکس بفرستید، که آسانتر است.

این هفته در نامه مردم، بزبان کردی میخوانید:

۱- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصتمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران
۲- گامی مثبت و بزرگ در راه حل مسأله آرمین مستله کردستان
۳- اعلامیه هواداران کنگره چهارم حزب دمکرات کردستان ایران در بروج و تهران
۴- اعلامیه مواضع کنگره چهارم حزب دمکرات کردستان ایران در بروج و تهران
۵- یک سووم پزشکیان دنیا در اتحاد شوروی هستند.

نامه مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی
خیابان ۶۸ (آذرخه) شماره ۶۸
تلنن، ۹۳۵۷۲۸.۹۳۳۴۵۹ شماره تلکسی
214081 TPI IR چاپ: کلویان
MARDOM No. 269
29 June 1980
Price: West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 950 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان در رابطه با انشعاب «اقلیت»

کامهای مثبتی در جهت انطباق حرکت انقلابی اش با اصول مارکسیسم-لنینیسم بردارد...

همراه با پذیرش پیش جدید از طرف اکثریت سازمان، اقلیتی حصول پیش گذشته سازمان به مقاومت برخاسته و برای دفاع از آخرین سنگرهای خود دست به تلاش همهجانبه زد و با اراده گزافی سعی در جلوگیری از زوال تاریخی پیش گذشته کرد. در این تلاش حتی ضوابط اصولی حاکم بر تشکیلات کمونیستی را نیز نادیده گرفت و از بدان پلوی با تشکیل فراکسیون در درون سازمان عملاً انشعاب کرد. اقلیت که در اساسی ترین اصول ایندولوزیک با اکثریت سازمان تضاد داشت دیگر نمیتوانست در یک تشکیلات واحد با سازمان باشد... ولی با برخورد آنان با امر انشعاب، که با شیوهای ماجراجویانه و سازمان شکنانه صورت گرفت، یکبار دیگر ماهیت نظرات آوازه بخشی آنها را به نمایش گذاشت.

شاخه آذربایجان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن تأکید بر ناکریری ضرورت این انشعاب، شیوه برخورد «اقلیت» را با مسئله انشعاب غیر اصولی میدانند و ضمناً تذکر میشود که هیچگونه مسئولیتی را در قبال حرکات و موضع گیریهای اقلیت نمی پذیرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان، در رابطه با انشعاب «اقلیت» اطلاعیه ای در لاریخ ۵۹/۳/۳۱ منتشر کرد و در آن نظریات «اقلیت» را انتقادی، شیوه و انشعاب آنرا، «ماجراجویانه» خواند. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

«هانگونی که اطلاع دارید، اقلیتی از سازمان با انتشار نشریه ای با امضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران انشعاب خود را از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام کرد. با توجه به وظیفه سنگینی که در شرایط کنونی بر دوش سازمان ما قرار دارد، وظیفه خود میدانیم برای مقابله با نظریات انحرافی اقلیت و برای مقابله با برخورد های یکجانبه و غیرمشولانه آنها به مبارزه ای اصولی، که سر فآدر حیطه سیاسی- ایندولوزیک خواهد بود، بپردازیم. انشعابی که در سازمان ما انجام یافت، حاصل اوج گیری تضاد بین دو پیش اساساً متفاوتی بود که در درون آن وجود داشت... از بسمه از پس، سازمان علاوه بر آنکه توانست در حیطه نظری چهارچوب جهان بینی انحرافی حاکم بر تئوری «مشی مسلحانه» را در هم شکند، در حیطه پراکتیک نیز توانست

قیمت ها به مرز ...

بقیه از صفحه ۱
هاکارگران باید حسرت برنج را بخوریم نه خوش را! این جری راضی با قریب، کارکنان مینزد. در میدان شهری هستیم. در یک مغازه خوب بار فروش. علت حرف های این کارگریست؟ فروخته با اعلام نرخ انواع برنج، به این سؤال جواب میدهد: «صدری مخلوط - کیلوئی ۱۳ تومان صدری درجه ۱ - کیلوئی ۱۴ تومان صدری درجه ۲ - کیلوئی ۱۶ تومان» قیمت برنج دسیام راه نمی رسیم. که انکار فقط برای پولدارها تولید میشود چون باقیمت کیلوئی ۱۸۵ ریال هیچ زحمتکشی سزاقت را نمی گیرد. رضا با قریب همراه ما قیمت ها را گوش میکند. البته خوش قیمت ها را حفظ است. بدیده فروشنده می گوید: «نیم کیلو خارجی

فروشنده توضیح میدهد: «دربازار دولتی برنج خارجی هست. این برنج ها از تایلند و پاکستان می آید. به ما که می رسد، قیمتش به کیلوئی ۹ تومان میرسد.» رضا با قریب برنج را می گیرد. پولش را میدهد، بام بیرون می آید. می گوید: «این برنج به علت خدا نمی آرد. توی دیگ بجای پلو تبدیل به آتش میشود، اما مجبورم آنرا بخورم، چون ارزانتر از همه برنج های بازار است. این نیم کیلو که خریدم، غذای خانواده ۷ نفری ماست. بیشتر از این بوسم نخرید.»

حرف های این کارگر، هم رنجی را که زحمتکشان از گرانی قیمت برنج، که غذای اصلی مردم ماست، میکنند، بروشنی تمام نشان میدهد. گرگی در بازار، حرف های این کارگر را تأیید میکند و در اولین نگاه نشان میدهد که تا ۷۰ درصد قیمت برنج افزوده شده است. در حال حاضر در بازار ۴ نوع برنج داخلی، بقیمت هایی که در ابتدای مطلب و همچنین در جدول این شماره دیده میشود، بپوش می رسد. ارزانترین نوع برنج داخلی، صدری مخلوط است، که سال گذشته کیلوئی ۷۰

انواع برنج	قیمت سال گذشته	قیمت امسال	درصد افزایش
دم سیاه	۱۳۰	۱۸۵	۳۲ درصد
صدری درجه ۱	۱۲۰	۱۶۰	۳۳ درصد
صدری درجه ۲	۱۰۰	۱۴۰	۴۰ درصد
صدری مخلوط	۷۰	۱۲۰	۷۰ درصد

شوخی نیست...

منطق پول

چون ۲۵ ساله ای که در یک زدو خورد مجروح شده بود، در یکی از بیمارستانها در گذشت، (کیهان، ۴ تیر) چرا؟

به این علت: «در بیمارستان برای انجام عمل جراحی، مبلغ سه پنجاه هزار تومان حق عمل از بستگان امرحکی مطالبه میشود. چون بستگان وی در آن لحظه پول به مقدار کافی همرا نداشته اند، بین آنان از یکسو مسئولان بیمارستان از سوی دیگر گفت و گو و مشاجره در می گیرد و سرانجام، امرحکی پس از چند ساعت در میگذرد...» (همانجا)

به این میگویند منطق پول!

مسافر پرسی

در کنار چهار آژانس عظیم خیری امپریالیستی، مدتهاست که يك «پرس» دیگر هم متولد شده. این «پرس» که شمع علس بسیار وسیع است، هر جا که تور داغ است، در طرقتاً یعنی بیشترین خیرنگارها بخدمت میگیرد و آخرین و سری ترین اخبار را گزارش میکند. نفس این پرس، بالاتر بیشتر زمانی عمده میشود که، کمیت چهار پرس دیگر تنگ میشوند. در این حالت این «پرس» که فرزند حرامزاده چهار پرس سرورقه است، بعنوان منبع خبر، بیش مانه ترین «خبر» را بعنوان «غذا» به پرسهای بر خبرنگار میدهد. لایه خیلی کنبکاوید بدانید که این فرزند حرامزاده کناست؟ بله، این همان «سفر پرسی» است! «سفر پرسی» از همه چرخبر میدهد: از ریتام، از کامپوچیا، از صحراهای اوگان، از آنکولا و بالاخره! اینها باتمام ظرفیت از افغانستان و مستقیا از آتشین خانه پیرک کارمل!

يك بام و دو هوا!

مدیرعامل بانک مسکن: «بهر دخت وام مسکن شرفتشده». (کیهان، ۴ تیر)
اطلاعیه وزارت مسکن: «دستور العمل پرداخت وام مسکن به کلیه بانکهای عامل در سراسر کشور ابلاغ شده». (اطلاعات، ۴ تیر)

ساواکی خرفت

مرئیس بهادری، رئیس بخش بودجه و پرداخت اداره حسابداری ساواک منحل درودگاه گفت: «من يك حسابدار ساده بودم و در اینگونه موارد خرفت و نفهم بودم و نمیدانستم که در ساواک چه میکنند» (کیهان، ۴ تیر)
ایشان برای اثبات خرفتن خود مزاج هم فرمودند: «مالته در این مدت ۱۴ ماه که در زندان هستم، خیلی بیشتر از بیرون بن خوش گذشت» چون هر چه میکشیدم از دست همسر اولم بود! و بالاخره، من یکبار دستگیر شدم و بادهای تلفن و آدرس محل سکونت آزاد شدم! - امیدواریم یاردم ایشان بملت خرفتن آزاد نشوند!

نظر مطبوعات و شخصتهای مختلف درباره خروج بخشی از واحدهای محدود نظامی شوروی از افغانستان

روزنامه «التبع» چاپ بیروت مینویسد که: چنین اقدامی در اثر تثبیت مین اوضاع در افغانستان و قطع وقع واحدهای بزرگ مسلح ضد انقلاب امکانپذیر شد. این روزنامه خاطرنشان میکند که اتخاذ چنین اقدامی همچنین این امر را روشن کرد که دولت قانونی فلی افغانستان از حمایت و پشتیبانی وسیع مردم افغانستان برخوردار است.

«التبع» سپس مینویسد که در محافل دیپلماتیک، خروج یگانهای ارتش شوروی از افغانستان به مثابه ابتکار مهم جدید اتحاد شوروی تلقی میشود.

وزیر امور خارجه فرانسه، فرانسوا پلونه طی اظهارات خود این تصمیم اتحاد شوروی را «فوق العاده مهم» نامید.

خبرگزاری فرانسیس این تصمیم را به مثابه اقدامی از یزایی میگرد، که «دفتی بیبازی جو بین المللی است». فرانسیس تصریح میکند که مسکو با این اقدام، صلت دیدگ نشان میدهد، صرفنظر از شایعات «گوناگون»، اوضاع در افغانستان راتر کثرت دارد.

خبرگزاری پرسی تراستان آف ایندی با استناد به اعلامیه سختگویی رسمی دولت خطر نشان میکند که هند اعلامیه رسیده از کابل را با تأیید پذیرا شده و آنرا به مثابه يك «رویداد مثبت» تلقی میکند.

فراوداء اطلاع میدهد که روزنامه افغانی حقیقت انقلاب توره بیانیه اتحادیه های افغانستان را انتشار داد، که طی آن از جمله گفته میشود که در مناسبات فیما بین افغانستان و ایران و پاکستان هیچ مسئله ای وجود ندارد که بتوان آنرا گرد کرد نیز مذاکرات حل کرد. در بیانیه گفته میشود: فقط مذاکرات که تنها امکانپذیر، بلکه واجب هم هست، برای حل وصل سیاسی مسائل که با منافع کلیه کشورهای منطقه مطابقت دارد، راه می کشاید.

روزنامه «کراسنا یازودا» مینویسد: «طبق گزارش خیری یونیوند، ا. گون ساپس، دبیر وزارت امور خارجه هند، طی مصاحبه ای با روزنامه کویتری صرب تایید اظهار داشت که حضور واحدهای محدود ارتش شوروی در افغانستان هیچ خطری نبرای هیچکس ندارد. وی تأکید نمود: «ما با این نظر غرب موافق نیستیم که اتحاد شوروی در مقابل خود هدف وصول به آسپهی گرم دریای عرب و خلیج فارس را قرار داده است.»

«کراسنا یازودا» مینویسد: «ولی همه اینها قادر نیست این حقیقت را پنهان دارد که همانا واشنگتن از حوادث افغانستان برای گسترش نقشه های توسعه طلبی نظامی در آسیا و در خاور نزدیک استفاده میکند. رئیس پنتاگون مریچ ویبره گفته که ایالات شصده «برای تحکیم امنیت و تقویت قدرت نظامی آمریکا در منطقه تدابیری اتخاذ می کند. بگفته وی «حوادث افغانستان و ایران لزوم گسترش عملیات آمریکا در قیانس هند و خلیج فارس را ایجاد کرده. از سوی دیگر همانگونه که از اظهارات وی بی آید واشنگتن از تلاش برای از بین بردن انقلاب افغانستان دست بردار نیست و به جنگ اعلان نشده، علیه حکومت مردمی این کشور ادامه میدهد.»

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود